www.farsibooks.ir

آیین زرتشت

راه زرتشت

پژوهشگر : شادی آریابد

www.farsibooks.ir

www.farsibooks.ir

گاتـــاهــا

گاهان از نـگاه اوستاشناسان

جهان بینی اشو زرتشت چیست؟

جبــر و اختیـــار

نام راستین اشو زرتشت بنیانگذار یکتاپرستی ایرانیان

بدخواهان زرتشت

لهجه و زادگاه زرتشت

دین بهی چیست ؟

واژه حضرت برای زرتشت درست نیست

زمان ظهور اشو زرتشت

در گذشت زرتشت

گزیده ای از اوستا کهن

جهان بینـــی زرتشت

نماز ایرانـــــی

آیین زناشوئی

پیمان زناشویی

نوزادگی چیست ؟

"پـایه هـای آیین بهــی"

www.farsibooks.ir

گاتـــاهـــا

کتاب مقدس زرتشتیان اوستا نام دارد که به معنای پایه و بنیان دین است و به پهلوی «اپستاك» گفته می‌شود.این نامه‌ی سپنتایی، هزارفصل داشت و ۲۱ جلد کتاب را شامل می‌شده است، که به قول «پلینیوس « (plinius)گاه‌نگار یونانی سده‌ی یکم میلادی اشوزرتشت آن را در دومیلیون بیت تصنیف نموده بود.
اوستا در زمان هخامنشیان ۸۱۵ بخش داشت که به‌وسیله‌ی اسکندر گجستك(ملعون (سوزانده و به یغما رفت. در زمان ساسانیان تنها ۳۴۸ بخش آن گردآوری و بخشی نیز به وسیله‌ی موبدان به آن افزوده شد که آن هم، بعدها به‌دست تازیان افتاد و آنچه امروز باقی مانده یك سوم اوستای دوره‌ی ساسانی است که به‌وسیله ایرانیان با ایمان و آزاده(زرتشتیان) در درازای هزار واندی سال نگهداری و منتقل شده است .
بخشی از اوستای کنونی که از آن خود پیامبر است و بدون دگرگونی و انحراف نگهداری شده است، گاهان(این واژه پهلوی بوده و به معنای سروده‌ها است که در زبان اوستایی گاتها گفته می‌شود) نامیده می‌شود .
بخشی که در درازای زمان به‌ویژه در دوره‌ی ساسانیان تدوین واقتباس شده است. شامل: یسنا، یشت‌ها، ویسپرد، وندیداد و خرده اوستا می‌باشد. این بخش‌ها بازتاب اندیشه‌ها و باورهایی است که پیش و پس از پیدایش اشوزرتشت در میان آریایی‌ها نمود داشته است. این باورها به‌وسیله‌ی برخی روحانیون وارد اوستا گردید. به گونه‌ای که با مقایسه‌ی گاهان این تضادها رامی‌توان دید، مانند تقدس «هوم» گیاه مستی آور که در نزد آریایی‌ها ستوده می‌شده و درآیین‌های دینی فراوانی به‌کار برده می‌شده است، در حالی‌که اشوزرتشت در گاهان آن‌را و هر آنچه که باعث ضایع شده خرد و هوش انسان گردد، مورد نکوهش قرارداده است. این باورها حتا در زندگی‌نامه‌ی اشوزرتشت هم اثر گذاشته و زندگی پیامبر را به صورت استوره و افسانه درآورده است. استوره‌هایی که هزاران سال پیش از پیدایش پیامبر جزو باورهای قوم‌های نخستین آریایی بوده‌است.
به همین دلیل ایرانیان گاهان، سرودهای پیامبر را نسبت به دیگر بخش های اوستا ترجیح داده و پیوسته پاره‌هایی از آن را با وجود تقدسی که برای آن قایل بوده‌اند از برکرده و به مفهوم‌های اخلاقی آن عمل می‌نمودند. اصل‌هایی که نه تنها رشد و بلوغ فکری ایرانیان را دربر داشت، بلکه همچون الگویی، سرمشق بسیاری از اندیشمندان، فیلسوفان و بزرگان جهان گردید و به گفته‌ی فرانسیس پاورکوب :
»مشکل است تصور کنیم اگر زرتشت وجود نمی‌داشت، باورهای بشر، اکنون به چه صورت می‌بود؟«

تاثیر و نفوذی که که جهان‌بینی اشوزرتشت در افکار اندیشمندان و دانشمندانی چون افلاطون، فیثاغورث و هراکلیت گذاشته، تا اندازه‌ای بوده است که می توان گفت پایه‌ی فلسفه‌ی افلاطون همان «فَرَوَشی» اشوزرتشت است و باور هراکلیت مبنی بر آن‌که اصل و سرچشمه‌ی جهان نور است، همان باور پیامبر ایرانی است. بر پایه‌ی نتیجه‌های پژوهش‌های پروفسور ویتنی :

»ایران از زمان کورش بزرگ تا نبرد ماراتن، بزرگترین و باتمدن‌ترین کشور خاور زمین بود. در آن زمان اروپای کنونی هنوز به‌وجود نیامده بود و یونان متحد نشده و مردمانش تنها به علت ترسی که از قدرت نظامی ایران داشتند برای مدتی کوتاه با هم متحد شدند. ایران در آن زمان به جهان قانون و دین داد و آن دین و قانون هم شریعت اشوزرتشت بود«.

www.farsibooks.ir

»...ایران چه پیروز و چه شکست خورده، همیشه در موجودیت خود پابرجا بوده و همه وقت به علت سرشت درونی که دارد تاثیر و نفوذ بیش از اندازه‌ای در دیگر ملت‌ها نموده است.»(هنری بُر(

اما تاثیر ونفوذ مستقیم آیین زرتشت بیشتر در فلسفه‌ی هند، آلمان، و دین‌های سامی دیده می‌شود و این تاثیر به اندازه‌ای در اندیشه‌های سامی رخنه کرده است که برخی پژوهشگران باور دارند که آیین زرتشت کلید فهم مسیحیت و اسلام است و به گفته‌ی ویدن‌گرن مستشرق معروف سوئدی: «هنگامی که تاریخ آیین یهود، مسیحیت و اسلام را مورد بررسی قرار می‌دهیم، درمی‌یابیم زندگی مذهبی مردمِ باستان به‌ویژه از زمان شاهنشاهی هخامنشیان به طور قطع، تحت تاثیر و نفوذ مزداپرستی بوده است«.

به عبارتی، تاثیر و نفوذ مزداپرستی در یهودیت به این صورت انجام گرفت که آیین یهود در آغاز خدا را به صورت دیکتاتوری بولهوس می‌دید، که گاهی کارهای نیك می‌کرد و گاهی به کارهای بد روی می‌آورد، ولی به تدریج یهودی‌ها پس از آشنایی با یزدان‌پرستی، یاد گرفتند که کارهای آدمی را به خدا نسبت ندهند.
در مورد مسیحیت همین قدر می‌توان به گفته مترلینگ اشاره کرد که:

» پژوهش در آیین ایرانیان باستان از لحاظ مسیحیان خیلی جالب توجه است زیرا سه چهارم و حتا چهار پنجم باورهای عیسویان از ایرانیان گرفته شده است«.
و اما نفوذ وتاثیر اندیشه‌های اشوزرتشت در فلسفه‌ی آلمان را، بیشتر در نوشته‌های کانت و هِگل، دو نابغه‌ی برجسته‌ی آلمانی، می‌توان دید .به‌طوری‌که هِگل آشکارا می‌گوید:

» نور برای نخستین بار با پیدایش زرتشت در تاریخ آغاز به درخشش کرد «.

این نور که به گفته‌ی شاعر معانی‌شیرازی :

»آنکه عالم را منور کرده است نیست جز نور صفای زرتشت «

همچنان چراغ راه بشر بوده و در این اواخر، نفوذش تا به آمریکا هم رسیده و در این کشور باشگاه‌های زرتشتی گشایش یافته و کتاب‌ها و مجله‌های بسیاری در مورد اندیشه‌های این پیامبر انتشار می‌یابد و همانگونه که پروفسور میلز می‌گوید :

»اوستا مانند صخره‌ای که خیلی آهسته در برابر باد و باران تسلیم می‌شود همچنان پایدار مانده است«.
و نیز ساموئل لنگ درباره‌ی درستی و جاودانگی این آیین و نیز تطابق آن با همه‌ی علم‌ها باور دارد که :

»هیچ دلیلی ندارد که یك زرتشتی برای دین خود به هراس افتد و بلرزد، چنانچه گالیله‌ای تلسکوپ اختراع کند و یا نیوتن قانون جاذبه را کشف نماید. برای او هیچ لازم نیست درباره‌ی طوفان نوح به

www.farsibooks.ir

بحث بپردازد و درباره نظم جهان و چگونگی آفرینش آن، آن طور که در سفر پلوتن آمده، دلیل آورد. خیر او حتا می‌تواند در برابر آخرین و ترسناک‌ترین کشف اینکه آدمی برای مدت نامعلومی روی زمین زندگی می‌کرده و به‌جای اینکه از مقام شامخ و بلند سقوط کرده باشد، خونسرد باقی بماند. اکنون به من بگویید ببینم چند تن از مسیحیان متعصب که به دین خود سخت پای‌بندند می‌توانند در برابر اینگونه مسایل به همین شکل رفتار کنند و یا انکار نمایند که کشفیات علمی، کیش آنها را آنچنانکه در کتاب های مقدس‌شان بیان شده به لرزه درنیاورده است؟«.

وی به دنبال گفته‌های خود می‌افزاید :

»آموزش‌های زرتشت طوری مطابق دانش‌ها و صنایع امروزی است که باید گفت برای دنیای متمدن امروزی یکی از بهترین دین‌ها است«.
برای گفتن شرح حال گاهان می‌توان به نتیجه‌ی پژوهش اوستاشناسان و ایران شناسان استناد کرده و گوشه‌ای از این اقیانوس بی‌کران را مورد بررسی قرار داد .....

www.farsibooks.ir

گاهان از نگاه اوستاشناسان

»آیین زرتشت آن طور که در گاتها محفوظ مانده، به کلی از آلایش نو بیگانه و بری است. مرتبه‌ی اخلاقی زرتشت و جنبه و جدیت و علو مقام بشریت و درجه‌ی فلسفی او را، به خوبی از گاتها می‌توان دریافت که با چه جرات و استحکام به بلندترین و مهمترین مساله پرداخته است. او مردی است که پا از دایره‌ی استعداد زمان خویش بیرون نهاد. در آن زمان کهن از برای ذات پروردگار و برخاستن نیروی بدی گفته‌های فلسفی آورد. پایه‌های دین او در فدیه و قربانی و آیین های ظاهری نیست، بلکه اندیشه‌ی پارسا وپاك وبر پایه آن، زندگانی نیك، اساس آموزش‌های اوست.»(پروفسور کیکر(

»آزادی اندیشه، وحدت دینی و خردورزی شدید، هوش تند وتیز و ذوق ویژه برای چیزهای نوی اخلاقی که همیشه از ویژگی‌های ایرانیان بود، در گاهان زرتشت به خوبی دیده می‌شود.»(پرفسور میه(

»در گاتها، زرتشت به شکل ویژه‌ای و با اندیشه‌ی ژرف صحبت می‌دارد. هر یك از بندهایش دارای اندیشه‌ای است و به طور اساسی یك گفته را پیگیری می‌کند، ولی هر آن، به شکلی اندیشه‌ی خود را جلوه می‌دهد. سخنانش عاری از پیدایش ساختگی است. یك‌سو و یك‌آهنگ با اراده‌ای استوار گفته‌های خود را می‌گوید. هیچ چیز در آن پاشیده و پریشان نیست. حرفی زیاده ندارد و همه سخنانش اندازه و مقیاس است. گفتارش پر از روح وقدرت است. به هیچ عنوان به زواید نمی‌پردازد، آنچه می‌گوید بنیادین است.»(گلدنر(

»سروده‌های زرتشت –گاهان- نخستین کوشش روشن وگویا را برای بهتر ساختن و نوکردن دل مردمان دربردارد و امروز نیز در همه‌ی دین‌های ما زنده است و شاید آینده هم بر آن ریخته باشد. این سرودهای راستین در منش یکتا و بی‌همتاست و منش هرگز پیر نمی‌گردد. بر جهان امروز است که آنها را به‌کار ببندد. جهان باید با دلبستگی فراوان به بررسی گاتها بپردازد، چون در گاتها پایه‌های منش زندگی به شیوه‌های بسیار اثربخش و نیرومند نمایان گشته است. حق داریم و می‌توانیم به آزادی بگوییم که اوستا کهن‌ترین سند درونی است. که جوینده و آزماینده‌ی منش و گفتار و کردار است .به راستی بهشت و دوزخ مینوی که اکنون با آن آشنا هستیم –و این تنها نوع زندگی آینده است که مردم با خرد می‌پذیرند- تا آنجا که آگاهیم، برای نخستین بار در گاهان آمده است.»(پروفسور میلز(

»ما در گاهان با چنان احساس‌های خوب و شریف و باور قوی به آیین راستی و چنان اخلاقیات عالی روبرو می‌شویم، که نمی‌توانیم از ستایش، گوینده‌ی این سرودها خودداری کنیم.»(پل هورن(

»اگر داستان اندیشه‌ی مرد را ارزش است، اوستا پایه‌ی بلندی دراین داستان دارد، هرگز کسی در هیچ زمانی، بلندی شگرف این بخش از اوستا(گاهان) را رد نکرده است. کجا در اندیشه‌ی مردی چنین بلندی و شکوهی یافت می‌شود.»(استاد میلز(

»درخشان‌تر و بلندتر از آموزش‌های زرتشت در گاهان سخن نتوان گفت.»(پروفسور میلز(

www.farsibooks.ir

»کتاب مقدس کمتر مردی دارای چنین ادراك روشنی، از درستی و نادرستی می‌باشد و کمتر کتاب مقدسی چنین تصویر اخلاقی از «وظیفه» دارد که در کتاب اشوزرتشت گفته شده است. کمتر کیشی وجود دارد که به‌این قوت لزوم پاکی برای جسم و روح را تلقین بنماید.»(پروفسور جکسون(

)هفته نامه امرداد ۱۳۸۴ شادی آریابد – کارشناس ارشد زبان‌های باستان(

یاری نامه:
-۱مهرین، مهرداد : آیین زرتشت و تاثیر و نفوذ آن در شرق وغرب، انتشارات فروهر، ۱۳۶۱.
-۲دوشن گیمن، ژاك : زرتشت و جهان غرب، ترجمه‌ی مسعود رجب نیا، انتشارات مروارید، ۱۳۶۳.
-۳دورانت، ویل : تاریخ تمدن مشرق زمین گاهوراه‌ی تمدن، ترجمه‌ی احمد آرام، ع.پاشایی، امیرحسینآریانپور، نشر آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.
-۴کربن، هانری : روابط حکمت اشراق و فلسفه‌ی ایران باستان، انتشارات انجمن ایران‌شناسی، ۱۳۲۵.
-۵مهرین، مهرداد : فلسفه‌ی شرق، موسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۶۱.

www.farsibooks.ir

جهان بینی اشو زرتشت چیست؟

بر خلاف کشورهای زادگاه زرتشت (ایران، افغانستان و تاجیکستان) در اروپا دست کم دویست سال است که آموزش و پژوهش در باره اندیشه و جهان بینی زرتشت به گونه علمی آغاز شده و ا مروز در دانشگاها بخش جا افتاده ایست. هدف اروپاییان از این آموزش و پژوهش پی بردن به ریشه و بن زبانی، فلسفی، فرهنگی و هستی شناسی خود میباشد .
اگر بیش از سه هزار سال است که نام زرتشت بعنوان یک نام مقدس وارد ضمیر ناخودآگاه ایرانیان و مردمان آسیای میانه شده، همین نام بیش از دو هزار و پانصد سال است که بعنوان « بالاترین نماد دانش» وارد ضمیر ناخودآگاه اروپاییان گردیده .
فیثا قورث دانشمند بنام یونانی خود را شاگرد زرتشت میپنداشت و ارستو فیلسوف دیگر یونانی که شاگرد افلاتون بود در کتاب خود « فلسفه» مینویسد که تمام دانش افلاتون از زرتشت گرفته شده.
بطور کلی تمام دانشمندان و فیلسوفهای یونان باستان خود را شاگرد مکتب زرتشت دانسته اند و نوشته های خود را به او پیوند داده اند) .ژک دوشن گیمن : پاسخ غرب به زرتشت, اکسفورد ۱۹۵۸ : ر.م افرلن : تاثیر زرتشت بر اندیشه یونان: نیویورک ۱۹۶۵ : ژ. فرل: تاثیر زرتشت و اندیشه زرتشت بر فرهنگ غرب، سیدنی ۱۹۷۷ . (
میدانیم که در آن دوره، یعنی در سده پنجم پیش از میلاد مسیح، ایرانیان (که مردمان آسیای میانه امروزی را هم در بر میگرفتند) با پی ریزی نخستین امپراتوری جهانی که از ۴۶ کشور درست شده بود امور دنیا را اداره میکردند و شاید بهمین علت بود که یونانیان شیفته جهان بینی زرتشت که فلسفه هستی ایرانیان بود شدند.(مری بویس: تاریخ زرتشت گرایی، لندن، ۱۹۸۹ جلد دوم رویه ۲۸۰-۲۸۲)
بنا به نوشتارهای تاریخ نویسان کهن و امروزی، با تحول فرهنگی ژرفی که زرتشت در میان ایرانیان بوجود آورد، آنها آزاد منش ترین اندیشه ها را در میان ملتهای امپراتوری گسترش دادند و در این راستا نخستین قانون حقوق بشر (فرمان آزادی) را بنگارش در آوردند. چون زرتشت به آ نها اموخته بود که « حقیقت متعلق به هیچ کشور، به هیچ ملت و به هیچ نژادی نیست». (ژرار ایزرایل :کورش بزرگ، پاریس ۱۹۸۷ : افلاتون: قانونها، ، بخش سوم، پارسیان ۶۹۳ و ۶۹۴ .(
و در همین زمینه بود که که پس از آزادی یهودیان از اسارت بوسیله کوروش بزرگ، ساختن معبد اورشلیم بوسیله داریوش و جمع آوری تورات بوسیله خشایارشاه، پیامبران یهودی همچون ایسایی، ژرمی، ازقیل ودانیل، کورش بزرگ را در تورات « فرستاده خدا و پیام آور آزادی» خواندند .
در فرمان آزادی کورش که ۲۵۴۱سال پیش با خط میخی روی استوانه بزرگی نوشته شده که ۱۵۰ سال پیش کشف شد این جمله ها آمده اند ۰ « انسانها آزادند که هر خدایی را که دلخواه آنها بود بپرستند، آنها آزادند که در کشور دلخواه خویش زندگی کنند، همگی باید در آرامش و صلح زندگی کنند.....». (و. ایلرز : ترجمه استوانه کورش از خط میخی، ۱۹۷۴ : ي. کیله: تفسیر نوشتار استوانه کورش، ۱۹۷۳ . (
این نخستین انقلاب انسانگرایی و آزادیخواهی در تاریخ بود. تمام نوشتارهای تاریخی نشان میدهد که چه اندازه این انقلاب جهان را به پیش کشاند. آداب و روسوم یهودیان که پیش از آن خشن و با قربانی جانوران بیگناه همراه بود، با وارد شدن اندیشه زرتشت در دین آنها دگرگون شد و بعدها بر دین مسیحیت تاثیر بنیادین گزاشت. ملتهای گوناگون امپراتوری آداب و رسوم خود را توانستند حفظ کنند و زنها همتراز مردان شدند. «پل دو بروی» زرتشت شناس معروف فرانسوی مي نویسد

www.farsibooks.ir

»تحولی که زرتشت در فرهنگ آن زمان به وجود آورد زنهای ایرانی را در تمام زمینه ها هم تراز مردان کرد و زنها از چنان آزادی برخوردار شدند که نظیر آنرا در هیچ جایی از دنیای باستان نمیتوان یافت. درآن زمان یونانیها با زنان خود مانند برده رفتار میکردند و ارستو میگفت زن نمیتواند روح داشته باشد) .« پل دو بروی: تاریخ فلسفه زرتشت، پاریس ۱۹۸۴ رویه ۱۱۰) همین نویسنده در چند رویه جلوتر کتاب خود مینویسد »هیچ صفحه ا ی از کتابهای تاریخ نمیتواند گواه دهد که یک نفر بزور به اندیشه زرتشت وارد شده باشد. اگر جز این بود زمانی که ایرانیان امپراتوری جهانی درست کرده بودند، یونان و هند و مصر و تمام خاور میانه و نیمی از آفریقا زرتشتی شده بودند .«

پس از در هم پاشیده شدن امپراتوری هخامنشی در سده سوم پیش از میلاد، علاقه و شیفتگی دانشمندان یونانی به زرتشت حتی از دورانی که ایران امپراتوری جهانی داشت بیشتر شد. این شیفتگی به جایی رسید که هیچ فیلسوف یا دانشمندی را دراین دوره در یونان نمیتوان پیدا کرد که برای وجهه دادن به کار و پژوهش علمی خود آنرا را به زرتشت نسبت نداده باشد! اعتبار گرفتن از زرتشت بعنوان « بالاترین نماد در همه دانشها» به جایی رسید که حتی دانش ستاره شناسی و کیمیاگری را هم به او نسبت دادند! (مری بویس: تاریخ زرتشتگرایی، لندن ۱۹۸۲ پوشینه دوم رویه۴۹۱-۵۶۵. ژ- دوشن گیمن : پاسخ غرب به زرتشت، رویه ۱۲-۱۴ (

شیفتگی به زرتشت به اندازه ای در اروپا رواج پیدا کرد که حتی با از میان رفتن یونان فرو ننشست . با پیدایش امپراتوری رم دانشمندان رمی مانند فیلسوفان یونانی برای اعتبار دادن به کاره ای خود از نام زرتشت تا جایی که میتوانستند استفاده کردند .

پس از سده نخست میلادی دین رسمی درا مپراتوری رم مهر ستایی (میترایزم) شد. مهرستایی که در جهان بینی زرتشت هضم شده بود و یکی از بخشهای اوستا را درست میکرد از ایران به اروپا رفت و برای ۴۰۰ سال درسراسر این قاره گسترده شد بگونه ای که امروزدر انگلستان، آلمان، سویس، اسپانیا، ایتالیا و یونان بیش از ۶۰۰۰ معبد میترا کشف شده) .فرانس کومن: نوشته ها و مانده گارها در باره راز میترا، بروکسل ۱۸۹۶ دو جلد، ی.گرشن تیچ: سروده های اوستایی در باره میترا ، کیمبریج ۱۹۵۹ (

در سده چهارم میلادی، مسیحیت در امپراتوری رم کم کم رواج پیدا کرد، ولی چون دین نو پا یی بود و هیچ آداب و رسوم ویژه ای نداشت تمام آداب و رسوم مهر ستایی را در خود هضم کرد. تاریخ ۲۵ دسامبر را که تاریخ زاد روز میترا بود که ایرانیان آنرا « شب یلدا » میگویند تاریخ زاد روز مسیح قرار دادند .درخت کاج و سرو را هم که مهرستایان با آن مراسم شب یلدا را تزیین میکردند وارد رسوم خود کردند. میترایزم هفت رده یا گام برای پیشبرد روان و دنیای مینوی داشت که استاد رده هفتم را پیر یا پدر میگفتند. واژه پدر وارد مسیحت شد و کشیش را پدر خواندند. همچنین میترایزم بعدها پایه ای شد برای ساختن فرا مسونری در اروپا که از سده هفدهم به بعد رواج گرفت .

در ایران و کشورهای آسیای میانه از سده سوم میلادی به آن سو کم کم اندیشه زرتشت بعنوان یک جهان بینی واپسین دوران خود را مي پیمود. دین زوروانی و مغان خزرنه وار جایگزین جهان بینی زرتشت شده بودند و فرمانراوایی میکردند .جنگهای تمام نشدنی میان ایران و رم هر دو امپراتوری را ناتوان کرده بود .در این زمان بود که در سده هفت میلادی عربهای مسلمان با یورش خود به ایران که ۲۰۰ سال به درازا کشید فرهنگ ایرانی را در هم شکستند و جهان بینی زرتشت که هنوز کمی از آن پا بر جا مانده بود به دست فراموشی سپرده شد، ابن خلدون تاریخ دان عرب مینویسد که مدت شش ماه خزینه گرمابه ها در ایران از سوختن کتابها گرم میشد .

اگر در ایران و کشورهای آسیای میانه آتش زرتشت به خاموشی گرایید ، در اروپا هیچگاه پژوهش و علاقه در باره اندیشه زرتشت کم نشد. حتی در قرون وسطای مسیحیت که تبلیغات ضد زرتشت بعنوان یک نماد ضد دین به اوج خود رسیده بود، روشنگران و خردگرایان اروپا دوباره زرتشت را بعنوان یک

www.farsibooks.ir

ابزار نبرد بر علیه کورگرایی و اختناق به میان آوردند .
در سده پلنزدهم میلادی یکی ازبزرگترین فیلسوفان دوران رنسانس یا رستاخیز فرهنگی اروپا، گرگوری پلوتن که نفوذ سیاسی زیادی هم در دربار امپراتوری بیزانس به دست آورده بود کوشش کرد که جهان بینی زرتشت را جایگزین سه دین یهودی، مسیحی و اسلام که در جنگ همیشگی با هم بودند بکند. با اینکه بسیاری از دولتمردان و خردگرایان آن زمان با او همراه شدند اما در این راه پیروز نشد . ولی موفق شد که اندیشه زرتشت را وارد مکتب افلاتونی فلورانس(ایتالیا (بکند و آنرا پایه ای برای انقلاب رنسانس در اروپا گرداند و انسانگرایی)هومنیزم) را پی ریزی کند. (ژ. دوشن گیمن: پاسخ غرب به زرتشت، رویه ۴ ، ح .لوی : انجمن زرتشت در امپراتوری رم ، ۱۹۸۵ رویه های ۹۹ به بعد (
در دوران رونسانس و پس از آن، گرایش به زرتشت در میان روشن بینان اروپایی نه تنها کم نگردید بلکه بیش ازبیش گسترده شدو بعد دیگری به خود گرفت. ولی سده ها بود که زبان زرتشت فراموش شده بود و هر چیزی که از زرتشت گفته میشد نقل قول از دیگران بود. بنابر این میبایستی به پژوهش پرداخت و زبان او را از نو کشف کرد .
در سده هفدهم زبانشناس فرانسوی، انکتیل دو پرون، پس از ۲۰ سال کوشش سرانجام زبان اوستا را کشف کرد و آنرا در دو جلد به چاپ رسانید. اوستا سخنان زرتشت نبود. این کتاب از نوشتارهای پراکنده ای درست شده بود که سده ها پس از مرگ زرتشت حتی در دوران اسلامی بوسیله موبدان نوشته شده بود. با این حال این کشف سرو صدای زیادی در اروپا به پا کرد .خردگرایان اروپا در اوستا ابزاری را پیدا کردند که با آن میتوانستند دوباره کلیسای مسیحیت را بکوبند. آنها میگفتند «حقیقت دیگردر انحصار کلیسا نیست . حقیقت را هم میتوان در یک اندیشه آریایی پیدا کرد .«
در این نبرد روشنگرایان و فیلسوفهای بزرگی مانند ولتر، گوته، گریم، دیدرو، وون کلیست، بایرون، وورتسمیت، شلی، نیچه و بسیاری دیگر وارد میدان نبرد شدند و آهنگسازان بزرگی مانند رمو (فرانسوی)، موزار و اشتروس (اتریشی) و چا یکوفسکی(روسی) در شکوه زرتشت اپرا ساختند.
(برای فهرست کامل نام و نوشتارهای نویسندگان و هنرمندان با لا به کتاب ژ. دوشن گیمن : پاسخ غرب به زرتشت، رویه ۱۶-۱۷ ماجعه کنید .(
اینگونه برخورد سبب گردید که کشیشان در برابر اوستا جبهه بگیرند و بگویند که ترجمه دوپرون ترجمه ایست دروغین !در برابر این ادعا سایر زبان شناسان هم وارد این نبرد اندیشه ای شدند. سه سال بعد زبان شناس آلمانی کلوکرز با ترجمه دیگری از اوستا به دوپرون حق داد و ثابت کرد که ترجمه او درست است. با این حال این نبرد به علت مقاومت کشیشان سی سال به درازا انجامید. سرا انجام همگی درست بودن اوستا را تایید کردند و این کتاب برای همیشه وارد آموزش دانشگاهیگردید .
با اینکه این پیروزی بسیار مهم بود ولی هنوز مسالة سخنان زرتشت روشن نشده بود. در سال ۱۸۶۱ زبان شناس معروف مارتین هوگ که در باره اوستا پژوهش گسترده ای را آغاز کرده بود متوجه شد که ۱۷بخش از ۷۲ بخش اوستا به زبانی نوشته شده که از سایر بخشها بسیار کهن تر و شیوه نگارش آن به گونه ای دیگر است. او بزودی پی برد که این زبان، زبان پارسی کهن است که نزدیک به دو هزار سال بود که از یادها رفته بود. سده ها بود که موبدان زرتشتی این ۱۷ بخش را از بر کرده و بدون اینکه معنی آنها را بدانند بعنوان سرود های مقدس در نیایشگاه ها میخواندند .
هوگ با کمک گرفتن از زبان سانسکریت که تازه کشف شده بود، این ۱۷ بخش را که به آنها »گاتا ها «میگویند از بقیه اوستا جدا و سپس ترجمه کرد .
پژوهشهای زبانشناسی و تاریخی بعدی بگونه ای شگفت آور ثابت کرد که گاتا ها که معنی آن « سروده» است بیش ۳۷۰۰ سال پیش بوسیله خود زرتشت سروده شده و از زبان خود او بیرون آمده. ترجمه گاتاها دروازه بزرگی را بروی تاریخ اندیشه، فلسفه و تمدن جهانی گشود و ریشه بسیاری از دینها و فلسفه ها یی که فرهنگ جهانی را ساختند روشن کرد .

چکیده گاتاها را میتوان بصورت زیر بازگو کرد :
هدف از زندگی، شاد و خوشبخت زیستن است (بیش از ۳۰ بار واژه خوشبختی و شادی در گاتا ها تکرارشده). شاد و خوشبخت زیستن میسر نیست مگر اینکه همگان در جامعه، از جمله جانوران و گیاهان بتوانند با شادی و شکوفایی زندگی کنند .برای رسیدن به این هدف مردمان باید قانون هستی را (که به آن ارتا یا اشا میگویند) بیاموزند .
این قانون از سه اصل بنیادین بگونه زیر در ست شده است :
-۱جهان هستی و بویژه زندگی انسانها در هر لحظه از زمان بوسیله نبرد میان دو نیروی بنیادین و خود آفریننده و ضد یکدیگر شکل میگیرد. مردمان اثر نبرد این دو نیرو را در درون خود بصورت شادمانی یا غم زدگی، عشق و نفرت، دوستی و دشمنی، آرامش درونی یا نگرانی، دادگری یا بیداد گری، خوب یا بد، شکست و پیروزی، روشنی درونی یا تاریکی و غیره احساس میکنند .
به سرچشمه نیروهای مثبت که مردمان را بسوی خوشبختی پیش میبرند اهورا مزدا گفته میشود. «اهورا» یعنی هستی آفرین و «مزدا» به معنی خرد است. بنابراین اهورامزدا به معنی « نیروی خردزا» یا «خدای خرد» ترجمه شده است .
از ویژگیهای مردمانی که در راه اهورامزدا هستند، شاد زیستی و راستی در پندار و گفتار و کردار میباشد .
به سر چشمه نیروهای منفی یعنی نیروهایی که مردمان را به بدبختی و پسماندگی و غمزدگی میبرند، انگرا ماینو یا اهریمن گفته میشود. انگرا ماینو یعنی آشفتگی و خشم درونی که خرد ستیز است و چشم درونی را کور میکند. از ویژ گیهای انگراماینو دروغ و ریا است. با این ابزار است که او آگاهی را سرکوب و نا آگاهی را رواج میدهد .
-۲دومین قانون جهان بینی زرتشت میگوید که در این جهان هیچ نیرویی بدون وجود نیروی ضد خود نمیتواند مفهومی داشته باشد. روز بدون شب، خوب بدون بد، آرامش درونی بدون نگرانی، عشق بدون نفرت و غیره هیچیک به تنهایی مفهومی نخواهند داشت. اگر چیزی در این دنیا بخواهد به صورت نیرو در آید بی درنگ نیروی مخالف خود را در برابر خود خواهد یافت .
-۳و چون این جهان از نیروهای دوگانه ضد هم و مثبت و منفی درست شده، هستی در انسانها نیرویی بنام »آزادی گزینش « «گزاشته که بوسیله آن هر کس میتواند از میان دو نیروی ضد هم و در حال نبرد یکی را انتخاب کرده و در آن شرکت کند. میان شادی و ماتمزدگی، دوستی و دشمنی، دادگری و بیدادگری، خرد و خرد ستیزی، راستی و دروغ، خوب و بد، آزادیو اختناق، سروری و بردگی و غیره یکی را گزینش کرده و در آن زندگی کند. چون آزادی گزینش با انسان است، بنا بر این مسئولیت هم با اوست .
چند سال پس از ترجمه گلتاهای زرتشت، یکی از بزرگترین فیلسوفان اروپا فردریک نیچه در سال ۱۸۸۳ شاهکار معروف خود »آن چنان گفت زرتشت «را در دو جلد نوشت. این کتاب که امروز به تمام زبانهای دنیا ترجمه شده دیدگاه اروپاییان را نسبت بزندگی زیرو رو کرد و فرهنگی نوین و مدرن را که تا امروز ادامه دارد به این قاره ارمغان نمود .
دکتر خسرو خزاعی (پردیس (

www.farsibooks.ir

جبــر و اختيـــار

در جهان بيني زرتشتي (كليات جهان بيني ، يعني اينكه ديدگاه انسان نسبت به چگونگي آفرينش ، چگونگي گردش روزگار ،شناخت انسان و رابطه انسانها (زن و مرد و نژاد) ، رابطه انسان با طبيعت و خالق خود و برعكس و ... مشخص شود (انسان داراي " من" است و خداوند بزرگ دانا به همه انسانها اين توانايي را داده است كه مي‌تواند خود را درك كند و بشناسد و بداند كه هست و ... ، و مي تواند " من" خويش را تحت كنترل خود قراردهد و تغيير و پرورش دهد . به اين قدرت بزرگ " قوه درك " گفته مي‌شود تا بتواند دنيا را تجزيه و تحليل كند و به قوانين اشا (هنجار هستي) پي‌ببرد و قدرت اراده و اختيار بخشيده كه بتواند غرايز خود را كنترل نمايد و هر راهي كه دوست دارد برگزيند . انسان چه مرد و چه زن آزادي كامل دارد كه با خرد خويش همه چيز را مورد شناخت و سنجش قراردهد و هر چه را دوست دارد ، جه نيك و چه بد آزادانه انتخاب كند

حال اگر سرنوشت انسان را به معني وضعيت آينده او در نظر بگيريم (در لغتنامه دهخدا ، سرنوشت انسان به معناي حكم ازل و قضاي ازل يعني آنچه در روز ازل تقدير شده باشد ، آمده است) برخلاف مفهوم رايج آن كه مي‌گويد انسان بر سرنوشت خود هيچگونه تسلطي نداشته و مشيت خداوند است كه سرنوشت انسان را مي‌سازد ، در جهان‌بيني زرتشتي هر كس سرنوشت خود را با انديشه و گفتار و كردار خود مي‌سازد و سازنده سرنوشت انسان ، خود انسان است

رفتار انسان اختياري است ،ولي بازتاب آن جبري و گريزناپذير است . اين قانون ، جزيي از نظام خلل‌ناپذير حاكم بر هستي است كه سرانجام " گندم از گندم بروید ، جو ز جو "

يسناي ۳۱ بند ۲۰ از سرودهاي شت زرتشت مي‌فرمايد :

" كسي كه به راستي گرايد به روشنايي و شادماني خواهد رسيد ، و كسي كه به دروغ گرايد تا ديرگاه زندگي را در تيرگي و كوردلي و آه و افسوس بسرخواهد برد . براستي او را وجدانش و كردارش به چنين سرانجامي مي‌كشاند ."

بر پايه قانون اشا ، رفتار انسان در همين جهان به خودش بازمي گردد و سرنوشتش را رقم خواهد زد . پس بهتر است كه با انديشه و گفتار وكردار نيك بهترين زندگي را براي خود فراهم آوريم .

برگرفته از :

۱- خنجري ، خداداد ، بينش زرتشت ، چاپ دوم ۱۳۸۰-تهران – صص ۵۶ تا ۶۶ .

۲ -خورشيديان ، اردشير ، جهان بيني اشوزرتشت (جزوه آموزشي هيربدي) – ۱۳۸۱ - تهران - صص ۱۷ تا ۲۰.
۳ -لغتنامه دهخدا.

www.farsibooks.ir

نام راستین اشو زرتشت بنیانگذار یکتاپرستی ایرانیان

شادروان "دستور دالا" پیرامون زرتشت می گوید : ما همه چیز درباره محمد و موسی و عیسی و حتی بودا می دانیم ولی هیچ آگاهی علمی و دقیقی پیرامون زرتشت بزرگ آریایی و نخستین پیام آور جهان نمی دانیم .

از سروده های به جای مانده از زرتشت (گاتها) می یابیم که نامش زرتشتر و نام خانوادگی اش سپتام یا سپتم است . اوستا شناسان نام زرتشت را از دو واژه زرث به معنی زرد - زال و پیر و اشتر به معنی شتر معنی میکنند . در مجموعه شتر زرد یا پیر معنی می دهد . عده دیگری این نام را شایسته چنین بزرگ مردی نمی دانند و بر این باور هستند که زرث به معنی روشنایی معنی میدهد و اشتر را از ریشه اش یا درخشیدن می دانند . که در مجوعه "زرین روشنایی" ترجمه می شود . آنان بر این باورند که نام اصلی وی سپتم است که معنی سپید یا سپیدترین بوده است که پس از برانگیخته شدن به پیام آوری جهان زرتشتر خطاب شد به معنی روشنایی مینوی . بودا نیز همین کار را کرده است . نامش گوتم بوده به معنی گاوین و گاونر بزرگ که پس از برانگیخته شدن به ارشاد مردمان نام بذ را بر میگزیند که به معنی دانا است .

سپتام زرتشتر اوستایی در پارسی امروزی زرتشت اسپنتمان نامیده می شود . او بر خلاف ادیان دیگر که هزاران سال پس از وی آمدند هرگز اداعاهای همچون پسر خدا - نور خدا و . . .نکرد . با اندیشه کردن در سروده های گات ها ما در می یابیم که او انسانی برجسته - دانا - خردمند - یکتا پرست و بی ادعا است . او تنها گمراهان را به راه نیک دعوت می کند و آنان را از راه خطا سرزنش می کند ولی هرگز آنان را به آتش جهنم و سربهای آتشین آخرت و زنجیرهای جهنم و دوزخ دهشتناک وعده نمی دهد . هرگز فرمان جهاد در راه خدا برای کشتار گمراهان را نمی دهد تا هر کجا کافوی را دیدید او را بکشید . او تنها آموزه های خردمندانه و فیلسوفانه خود را در روزگاری به مردم منتقل می کند که به دلیل وسعت تاریخی اش زمانش بر همگان پوشیده است .

بستگان زرتشت

از روی گات ها متوجه می شویم که او از خویشاوندانش به نام خاندان اسپنتمان هیچداسب نام می برد . از دختر خردمندش پوروچیستا به معنی پر بینش نام می برد و در جای دیگر از میدیوماه سپنتمان که گویا پسر عمویش است . در کتاب دساتیر زرتشت را به خاندان مه آبادیان که هزاران سال پیش از کیومرث پیشدادی است نسبت داده است . خود کیومرث به بیش از شش هزار سال پیش تعلق دارد .

یاران نزدیک زرتشت

شاه گشتاسب کیانی بزرگ ترین یاور و گسترش دهنده دینی بهی بوده است که آئین وی ار پذیرفت . زمان پادشاهی کیانیان نیز به بیش از سه هزار سال می رسد . فرشوشتر و جاماسب که از نامداران خاندان هوگو بودند از نزدیک ترین یاران زرتشت بوده اند . گویا پس از درگذشت زرتشت جاماسب

www.farsibooks.ir

رهبر پیروان او میگردد . خاندان فریان نیز که ریشه تورانی داشته اند (در ترکستان کنونی) از یاران نزدیک زرتشت بودند . یاران زرتشت در تاریخ به سه گروه نامیده شده اند .

گروه نخست خیتو که در معنی خودمانی می باشد . اینان کسانی هستند که لقب آزادگان به آنان داده شده است و تمامی گفتار او را با جان و دل پذیرفته بودند و در گسترش آن کوشش میکردند .

گروه دوم ورزن می باشد که به کسانی گفته می شود که در حلقه قرار دارند . آنان اندکی از زرتشت دور بودند و در درک درست واژها و سخنان زرتشت کمی دورتر از گروه دوم بودند . به آنان انجمنیان نیز گفته اند .

گروه سوم اریمن نام دارد که امروزه آریامنش نامیده می شود . که در آن روزگار دوستان زرتشت در گسترده فلات بزرگ ایران خطاب می شدند . آنان از دور و از کشورهای دیگر به سخنان او ایمان آورده بودند .

بدخواهان زرتشت

زرتشت در برابر پندار بافی و پندار پرستی ایستاد و این کار وی بازار این افراد را تضعیف نمود . بسیاری از بزرگان و شاهان برای خود معبادی برای پرستش ایجاد کرده بودند که ریشه آنها از آئین کهن مهر پرستی نیز می باشد . آئین میترا یکی دیگر از نخستین آئینهای برتر جهان است که با ورود زرتشت رو به زوال رفت ولی بعدها به اروپا گسترش یافت و هنوز در برخی کلیسا ها اروپا نقاشی مهر در کنار گاو وجود دارد . این پندار پرستان به نام کوی یا کرین نامیده می شدند . کوی از همان کی پارسی است (مانند کی آرش - کی گشتاسب) که شاه معنی میداده است . آنان شاهان بودند که در امور دینی نیز رهبری مردم را بر عهده داشتند .

کرپانان پیشوایان مذهبی روزگار زرتشت بودند که مراسمهای پیچیده ای برای خدا ایجاد کرده بودند . از این خاندان سرداری به نام بندو یکی از بزرگ ترین دشمنان زرتشت بوده است که نامش بارها آمده است . زرتشت در سروده هایش برای آنان از درگاه خداوند درخواست رهنمایی میکند . جایی دگیر از خاندان اسیج نام میبرد که خونهای بسیاری را بیگناه ریخته اند .

لهجه و زادگاه زرتشت

دکتر علی اکبر جعفری خاورشناس و محقق دین زرتشتی معتقد است : گاتها به لهجه خوراسانی سروده شده است و ه جای گاتها هجای رگ ویدی است . این لهجه در باختر رود سند رایج بوده است . زرتشت از خاندانهایی نام می برد که متعلق به خراسان بزرگ و سرزمینهای سند و پنجاب در شرق ایران است . در تمامی سروده های او از مردمان آریایی نژاد سخنهایی دیده می شود . وی به کشور هفتم اشاره میکند که همان ایرانویج - ائیرانه ویچه - یا ایران بزرگ (شامل افغانستان - تاجیکستان - مرو - سمرقند - بخارا و آسیای مرکزی . . .) بوده است . گفتگوی ها اوستا بیشتر از خراسان بزرگ است . شاه گشتاسب نیز از بلخ بود و بیشتر شواهد حاکی از آن است که زرتشت از شرق ایران بوده است .

اما در این میان گروهی با استناد به متن اوستا که از رغه یاد شده است وی را از آذربایجان می دانند . منجمله ارباب کیخسرو شاهرخ . رغه به احتمالی همان مراغه کنونی در آذربایجان است . در فصل

www.farsibooks.ir

بیستم بندهش زرتشت را از حوالی رود ارس (شمال آذربایجان) و مادرش را از رغه یا مراغه معرفی میکند . این دسته پدر زرتشت را پورشاسب می دانند و مادرش را دغدو می خوانند . دغدو واژه ای اوستایی (دغدوا) است که به معنی دختر پاک و نجیب است . زرتشت در سن سی سالگی در بالای کوه سبلان در آذربایجان به پیامبری برگزیده شد و سپس شهرها را یکی پس از دیگری برای گسترش دینش طی کرد . زاد روز اشو زرتشت در ششم فروردین ماه می باشد که امروزه بسیاری از ایرانیان آن را احترام و جشن می گیرند . در همان روز به گفته اوستا پدرش پوشاسب به شادی و جاودانگی فرزندش درختی کاشت . این سنت از دیرباز در نزد ایرانیان بوده و امروزه نیز در برخی نقاط ایران پابرجاست . نوع درخت معمولا گردو یا بادام یا سرو یا کاج می باشد احترام به طبیعت برای آنکه با افزودن یک فرزند ممکن است طبیعت نیز آلوده شود پدر و مادر ایرانی همیشه برای حفظ منابع طبیعی درختی را با بدنیا آوردن فرزندشان می کاشتند . فردوسی بزرگ زاده شدن زرتشت را چنان مهم دانسته است که زادروز وی را همچون پدیدار شدن درختی می داند که شاخه و برگ آن را خرد و دانش و اندرز فرا گرفته است . وی را نابود کنند اهریمن و بنیان گذار یکتاپرستی جهان میداند و میگوید پس از وی آتش پرستی از میان می رود و آتش تنها نور اهورامزدا و روشنایی مقدس قدرت او می گردد .

چو یک چند گاهی بر آمد برین　　درختی پدید آمد اندر زمین

از ایوان گشتاسپ تا پیش کاخ　　درختی گشن بیخ بسیار شاخ

همه برگ او پند و بارش خرد　　کسی جز چون او بر خورد کی مرد

خجسته پی و نام او زردهشت　　که اهریمن بد کنش را بکشت

به شاه جهان گفت که پیغمبرم　　تو را سوی یزدان همی رهبرم

بیاموز آئین و دین بهی　　که بی دین همی خوب ناید شهی

www.farsibooks.ir

دین بهی چیست ؟

دین که به اشتباه از ریشه تازی خوانده می شود از ریشه پهلوی دن و دینه گرفته شده است . که در معنی می شود وجدان و شرف انسان است در زبان پهلوی . ولی اعراب این واژه را از ما گرفتند و جمع ادیان را ساختند و دیانت را نیز به آن افزودند . در واژه نامه پهلوی استاد بهرام فره وشی دین به معنی گسترده یعنی کیش و خصایص روحی و تشخیص معنوی وجدان و ندای درونی انسانهاست . که یکی از قوای پنجگانه نیروی باطنی انسان می باشد. پس وجدان است که مستقل از عالم جسمانی فنا ناپذیر است و آن را آغاز و پایانی نیست . این نیرو در انسان را خداوند به ودیعه گذاشته تا نیکی و بدی را تشخیص دهیم . اگر انسان به ندای درونی خویش به نیکی عمل کند راه راست را دنبال کرده است و زرتشت بزرگ ترین و جاودانه ترین سخنش این است که راه در جهان یکی است و آنهم راستی است . اگر به ندای منفی گوش فرا دهد به نیرو درونی یا همان دین آسیبی نخواهد رسید ولی در روز آخرت دین به صورت فرشته خوب و دختری زیبا ظاهر میشود وگرنه به سان زنی پتیاره و هرزه نمایان می شود . دین بهی نیز از واژه پهلوی دن ای وه گرفته شده است که بزرگان جهان و مورخین و موبدان بزرگ آن را به دین بهی یا همان دین زرتشتی معنی کرده اند . از این روی دین بهی نامیده می شود که سخنان و آموزه هایش تا ابد برای بشریت قابل اجراست و رمز تمامی بشریت در انسانیت و کردار نیک - گفتار نیک و پندار نیک نهفته است .

واژه حضرت برای زرتشت درست نیست

حضرت واژه ای تازی است که برای پیام آور سرزمینهای بزرگ آریایی پسندیده نیست زیرا اشو خود به معنی مقدس و روحانی است که پیشوند زرتشت اسپنتمان است . واژه اشو زیباترین واژه برای او است که بارها در اوستا بر آن تاکید شده . در اوستا این لقب از جانب اهورامزدا به وی داده شده است و هیچ مقامی بالاتر از وی در جهان نمی باشد .

زمان ظهور اشو زرتشت

زمان ظهور پیامبر آریایی تا کنون بر هیچ کس روشن نیست و هر مورخ و خاورشناسی دیدگاهی برای خود دارد . آنچه بیش از همه مورد تاکید است بین سه هزار و پانصد سال تا پنج هزار و پانصد سال می باشد . تقویم دینی زرتشتیان نیز به هزار و هفتصد و سی و هشت سال پیش از میلاد تهیه شده است . روز تولد ایشان ششم فرودین است که این روز هزاران سال است که در ایران گرامی داشته می شود .

- ویل دورانت تاریخ نگار امریکایي

زمان زرتشت به گفته یونانیان به بیش از پنجهزار سال پیش می رسد . بروسوس بابلی زمان زرتشت را به دو هزار سال پیش از میلاد می داند . اخیرا طبق نظریه اي زمان زرتشت را به هزار تا ششصد قبل از میلاد نسبت داده اند . این نظریه زماني به اثبات خواهد رسید که ویشتاسب که باشد زیرا ویشتاسب کیانی بیش از چهار هزار سال پیش فرمانروایی میکرده است ولی ویشتاسب پدر داریوش بزرگ دوهزار و ششصد سال پیش .

www.farsibooks.ir

- **فرهنگ پارسي عميد**

نخستين پيام آور صلح و خرد و انديشه جهان كه تاريخ زيستن او را از حدود قرن هفتم قبل از ميلاد تا هزار و سيصد و هفتاد و پنج قبل از ميلاد تخمين زده اند كه هنوز هيچ تاريخ شناسي نتواسته است از زمان او آگاهي پيدا كند . او ايرانيان را به پرستش خدا يگانه دعوت كرد . نام پدرش پورشسب و نام مادرش دغدو . كه گفته اند يكي از دلايل بوجود آمدن بزرگترين امپراتوري تاريخ در زمان شاهنشاهي هخامنشيان گرويدند پادشاهان آن زمان به دين زرتشتي بوده است .

- **سوئيداس يوناني**

كه از مورخين يونان است و در سال نهصد و هفتاد ميلادي بسر ميبرده زمان زرتشت كه از او به عنوان داناي پارس و ماد نام برده را به پنج هزار سال پيش از جنگ ترويا ميداند .

- **هرمدروس**

ارسطو ، از شاگردان ارشد افلاطون - زمان زرتشت را به بيش از پنج هزار سال قبل از شروع جنگ "ترويا" ذكر كرده است . ساير مورخين يوناني از وي سنديت گرفته اند . او از شاگردان افلاطون بود و دوست و مربي اسكندر . وی در سال سيصد و هشتاد و چهار پيش از ميلاد تولد يافت و زمان ظهور اشو زرتشت را نه هزار و ششصد سال قبل از مسيح مي داند .

- **شاگردان افلاطون اودوكسوس و ارسطاطاليس در كتاب تاريخ طبيعی**

آئين زرتشت بالاترين و برجسته ترين آئين انسانيت و احترام به ديگران است كه به بيش از شش هزار سال قبل از افلاطون می رسد . افلاطون در سال چهارصدو بيست و هفت قبل از ميلاد متولد شده است و در سال سيصد و چهل و هفت درگذشت . پس ظهور زرتشت برابر می شود با هشت هزار و چهارصد سال پيش .

- **پليني يا پلينيوس بزرگ رومي**

وی از مورخين مشهور يونان است زمان زايش زرتشت را قبل از حضرت موسي خوانده است .

- **پروفسور شيلر و مسيو ديمارگان فرانسوي**

آنان از باستانشناسان فرانسوي هستند در حفرياتي كه از شوش - بابل - نينوا بدست اورده اند و به خط ميخي نوشته شده است زمان زرتشت را به هفت هزار الي هشت هزار سال پيش از ميلاد تخمين زده اند و پادشاهان آنجا را زرتشتي خوانده است .

www.farsibooks.ir

زمان پيدايش زرتشت طبق گفته هايي به دوره پادشاهي كيانيان بازميگردد.

هاشم رضي در كتاب گنجينه اوستا

در گذشت زرتشت

درگذشت زرتشت بزرگ به تاریخ پنجم دی ماه برابر با روز خور از ماه دی می باشد . تاریخ نگاران نوشته اند زرتشت پس از هفتاد و هفت سال از عمر خویش که بیشتر آن را برای هدایت و دادن خرد و آگاهی به مردمان صرف نموده بود روزی در آتشکده شهر بلخ مشغول عبادت بوده است . گشتاسب شاه کیانی و پسرش اسفندیار که از حامیان بزرگ وی بودند نیز برای رسیدگی به شهرهای دیگر از بلخ خارج می شوند و ارجاسب که دشمن دیرینه زرتشت و ایرانیان بود از این هنگام بهره برد و توربراتور فرمانده سپاه خود را با لشگری بسیار راهی بلخ که جزوی از ایران بود کرد . لشگر تورانی که همان ترکستان امروزی است دروازه های شهر بلخ را با تمام دلاوری ها مردم در هم شکستند و هنگامی که زرتشت با لهراسب و گروهی دیگر از یارانش مشغول عبادت به درگاه اهورامزدا بودند توسط سپاه بربر ترکهای تورانی کشته می شود .

بزرگان جهان درباره اشو زرتشت چه می گویند

- دکتر ویت نی

مذهب زرتشتی در یکی از اقوام برترکره ارض متنعم شده است . آنکس که از حیث مراتب فیلسوفانه و روحانی و جسمانی و پاکی صوری و معنوی دعوی اصالت نجابتش محل توجه است مذهبش زرتشتی است .

- پرفسور دکتر گیگر

به راستی هیچ قومی از اقوام باستانی خاور زمین قدرت حفظ و صحت کیش خویش را مانند زرتشتیان نداشته اند و این خود از تاثیر حقیقت این مذهب است که در عین حقیقت بدون نقصانی در اصول باقی مانده است . در همه تفتیشاتی که در طول زندگی کرده ام هیچ آیینی و قومی را مانند زرتشتیان در یکتاپرستی - خداشناسی - آزاد منشی - پاکی و حقیقت ندیده ام . چه خوشبخت است قومی که این آیننشان است .

- نیچه- فیلسوف آلمانی

زردشت بزرگترين پيامبر هوشمند و تيزهوشي است كه پايه‌هاي گسترده انديشه سازنده و مردميش تاكنون براي باختر استوارترين ستون زندگي بوده است. انديشه زردشت آموزشهاي بزرگي براي نيك زندگي كردن، نيك در پيوند بودن، نيك‌رفتار داشتن ونيك سخن گفتن و بالاتر از همه، چگونه ارج و ارزش نهي به ديگران است. او هيچگاه در هيچ سخنش از به كاربردن پي‌درپي «راستي و درستي

www.farsibooks.ir

خودداري نكرده وپيوسته همه مردم را بدين سو خوانده است. در سخن زردشت، شكوهي يافت ميشود كه در كمتر سخني ميتوان يافت.

- پرفسورهرتسفيلد

پشتكار و كوششهاي خستگي‌ناپذير، از فروزه‌هاي درخشان ايرانيان مي‌باشد كه برپايه راستي و درستي استوار شده است كه همه آنها پرتوي از آيين شكوهمند و پرفروغ زردشت است.

- پروفسور ميه

فروزه‌هاي ايرانيان باستان ستايش آميزند. ولي بايد دانست كه انگيزه آنها ، آموزشهاي نيك خواهانه و مردمي زردشت ميباشد . زردشت از منشي والا برخوردار بود كه توانست بر دل مردم رخنه نمايد وآنها را به سوي خود و آفريدگار مهربان و نيك خواهش بكشاند .

- التهيم

سروده‌هايي به اين ژرفنايي واستادي و با رواني بي‌همانند دراين دوران تنها از كساني برميآيد كه نيك پرورش يافته باشند و از خانوادة نژاده‌اي باشند كه از آموزش و پرورش نيك برخوردار باشند.
سرودهاي زرتشت از يك مايه بنيادين بينشمندي و ادبي كم مانند بهره‌ور است كه با دوران هند و اروپايي پيوندي ناگسستني دارند. بي پروا ميتوان گفت كه درونمايه گاتها از يك گفتار جهان برين برخوردار است كه به انديشه اين مرد بزرگ رخنه كرده و درآن جاي گرفته است. زرتشت انديشمندي يكتا و بي‌همتا و درشناسايي و روشن‌نگري بسيار برجسته و والا بود. از اين رو پيشواي بي چون وچراي كساني شد كه با ژرف‌بيني و ژرف نگري به جهان نگريستند و پايه‌گزار بينشمندي شدند .

- جكسون

بودا و كنفوسيوس و سقراط كه جويندگان نور و فروغ و روشنايي بودند. از پايه‌هايي بلند و سركشيده برخوردار بودند، ولي بايد پذيرفت كه زردشت از همه آنها بالاتر و والاتر وارزشمندتر بود. او بي گمان يكي از آموزگاران بزرگ خاوربه شمار ميآيد .

- گوته

دانشمند بلند آوازه آلماني، سخت فريفته گفتار و سروده‌هاي زرتشت بود و اورا مردي بسيار بزرگ و نوشته‌هايش را شكوهمند بازنمود كرده است. گوته، زرتشت را خردمندي به شمار ميآورد كه جهان خرد كمتر همانند اورا به خود ديده است. او در همه جا از كسي نام مي‌برد كه هماره دراندیشه خوشبختي و آسايش مردم بوده است و جز راستي و پاكدلي سخن نگفته است .

- وتين آمريكايي

www.farsibooks.ir

زردشت از همه نگرها ستودني است، بيگمان مسيح پيرو او بوده واز انديشه او بهره گرفته است. سه سخن رسا و روان و شكوهمند او: پندار نيك –گفتار نيك- كردار نيك، پايه و بنياد همه دينها ست و هيچ خردمندي نتوانسته است چيزي بر آن بيفزايد .

- توماس هايد

اين نويسنده بزرگ انگليسي درباره زرتشت مي گويد : كه در آن منش او را سخت مي‌ستايد و اورا انديشمندي بزرگ به شمار ميآورد. او مينويسد كه خداوند زرتشت را براي مردم ايران برگزيد، زيرا ايرانيان از يك آگاهي بزرگي درباره خداوند برخوردار بودند. اين مردم با خرد، سزاوار مرد خردمندي چون زردشت بودند .

- هومباخ

درگاتها اين سروده‌ي باشكوه زردشت، يك آفريدگار يافت ميشود كه اهورامزداي نيك خواه و خيرانديش است. آموزش هاي او برترين آموزشهاي نيك و برجسته درراه يك زندگي پاك و آراسته و درست و شايسته است كه بازده‌هاي درخشان آن نيك آشكار ميباشد . اورا ميتوان يك استاد مهر و پاكدلي خواند كه جز درراه راستي و درستي گام ننهاد و از اهورامزدا جز خوشبختي مردمان روي زمين را نخواست.

- پرفسور جان هينلز

دين زرتشت را باید نخستين دين آزادی انسانها و حقوق بشر در جهان خواند .

- پرفسور هانري ماسه - رنه گروسه

زرتشت اولين شخصي است كه پايه هاي يكتا پرستي را در جهان بنيان نهاد .

- دكتر هاگ

زرتشتيان مقام زن و مرد را برابر دانسته اند . رسومات دينی زنان و مردان برابر است . مراسم تدفين مردگان برای زن و مرد فرقی ندارد .

- خانم فرانسيس پاوركاب

من شگفت دارم از اين كه اگر زرتشت در هزاران سال پيش از ميلاد در شرايطی كه هيچ قانونی برای بشريت وجود نداشت ظهور نمی كرد و چنين آموزه هايی را برای ما به جای گذاشته كه پس از هزاران سال بدون كوچكترين ناهمگون نبودن با شرايط امروز و همچنان پايه های انسانيت بشر را شكل ميدهد اگر وی نيامده بود به راستی امروزه جامعه بشريت چه حالی داشت و در چه شكلی زندگی ميكرد .

www.farsibooks.ir

گزیده ای از اوستا کهن

بشنوید این سخنان را، با اندیشه روشن بنگرید ، مرد و زن بایستی خود این چنین با خرد و اندیشه راه خویش را برگزینند (اوستا ، یسنا، بخش ۳۰)؛

درآیه بالا مي گويد هر كس راه خود را بايد با فكر برگزيند.همچنين در جاهاي گوناگون اوستا نام زن و مرد با هم آمده و انسانها بر اساس شايستگيشان سنجش مي شوند نه جنسيت؛

آنگاه که زمان مفهوم یافت، آن دو گوهر همزاد نخستین پیدا شدند، آن دو گوهری که یکي شان دراندیشه و گفتار و کردار نیک بود و دیگری زشت؛ از میان این دو مردمان بایستی با داوری فکر اندیشه راه نیک را برگزینند، نه راه بد را (اوستا ، یسنا، بخش ۳۰)؛

اینک ای مردمان ، به آیینی که فرستاده خداوند جان و خرد است نیک بنگرید، نیک بیاندیشید، فرمان ها را نگاه دارید، به خوشی و رنج این دنیا بنگرید، در پاداش نیک واپسین و مکافات دیرپای بدکاران به ژرفی اندیشه کنید (اوستا، یسنا، بخش ۳۰)؛

آن گونه تو را شناختم ای اهورامزدا، که از روی فکر، به درون اندیشه کردم. سپس دریافتم که تویی خرد کل جهان و چون در اندیشه ، تو را دریافتم، در سراسر هستی نیز تو را دیدم، تویی که آغازی و تویی که انجامی و تویی که خداوند جان و خرد و سرور راستی هستی (اوستا، یسنا، بخش ۳۱)؛

ای اهورامزدا، تو در جان ما نیروی گزینش و تشخیص ودیعه کردی و از خرد کل جهانی جانمان را بیامیختی و آن گاه راه و بی راه در جهان پیدا شد، هر کسی اختیار و آزادی داشت تا راه را برگزیند (یسنا، بخش ۳۱)؛

در آیه بالا زرتشت اشاره به وجود اختيار ونيروي گزينش در آدمي مي كند. توجه كنيد كه زرتشت نخستين فيلسوفي بود كه در تاريخ به موضوع جبر و اختيار پرداخت و آن را چنان توجيه كرد كه هنوز هيچ دين و فلسفه اي به اين روشني نتوانسته اثبات كند؛

همه بایستی از روی فکر به گفتار و آموزش دیگران گوش فرا دهند (یسنا، بخش ۳۱)؛

به درگاه اهورا مزدا گله می کنم، از آن کسی که با گفتار نابخردانه اش ، مردم را از راه فکر کردن باز می دارد و نیک منشی را به تباهی می کشاند (یسنا، بخش ۳۲)؛

منم زرتشت، منم راهنمای مردم، که به نیروی راستی و پاک منشی و از روی فکر اندیشه کردم تا راه راستین را دریافتم (یسنا، بخش ۳۳)؛

هر گاه از روی فکر و با دیده دل بنگرید همگان درخواهید یافت که او همه جا آشکار و هویدا است. اینک ای مردمان پرهیزتان می دهم از آن که مبادا آن پیشوایان دروغین با بدآموزی هاشان گمراه تان سازند و زندگی راستین را برای شما تباه و آلوده گردانند (یسنا، بخش ۴۵)؛

www.farsibooks.ir

در آیه بالا اشاره شده که خداوند را فقط مي توان با دیده دل نگاه کرد و بازانسان را به تفکر فرامي خواند؛

آن هنگامی که با آفرینش ، آدمی را بر ساختی، و کالبد پدید آوردی و در آن جان و روان بنهادی و از منش نیک خویش در پیکرها روشنایی شناخت نیک و بد بخشیدی و نیروی کار و آموزش های درست ارمغان نمودی تا آنکه هر کس آزادانه دین و آیین خویش برگزیند (یسنا، بخش ۳۱)؛

در این آیه آزادي انسان به نهایت درجه مي رسد. به عقیده من اگر هزار بار هم این آیه را بخوانیم باز هم کم است. در اینجا نخست مي گوید که خداوند نیروي گزینش و انتخاب و نیروي شناختن خوب و بد را در انسان نهاد و پس از آن مي گوید که این اختیار براي آن است که هر کس آزادانه دین خود را انتخاب کند. آزادي ادیان که پس از هزاران سال به دنبال آنیم در دین زرتشت به اوج خود مي رسد . به جرات مي توانیم ادعا کنیم که دین زرتشت مظهر و نماد آزادي و آزادگي است و هیچ دیني تا این اندازه به آزادي، این واژه مقدس، احترام نگذاشته است؛

منم زرتشت ، که برمی خوانم اینک بزرگان و سران خان و مان ها، روستاها، شهرها و کشورها را که برابر این دین اهورایی زرتشتی بیندیشند و آنگاه اندیشه ها را به گفتار و کردار درآورند (یسنا، بخش ۸)؛

در این آیه مي بینیم که زرتشت به انسانها توصیه مي کند که در مورد هر چیز و حتي دین زرتشت ابتدا بیندیشند و بعد عمل کنند و بدون اندیشه هیچ چیز حتي دین خود او را نیز نپذیرند؛ بشنوید به گوش هوش آموزش هایم را ، به داوری خرد بسنجید و با منش روشن به ژرفا بنگرید پیش از آن که از میان دو راه نیک و راه بد یکي را برگزینید .

www.farsibooks.ir

جهان بینـــی زرتشت

در آیین زرتشتی جهان و هر چه در آن است زیبا و دوست داشتنی و ستودنی است و آفریده اهورامزدا یا سپند مینو (خرد پاک) بشمار می آید .

هر آنچه زشتی و پلیدی و تیرگی و سیاه روزی در جهان دیده می شود زاده و آورده اهریمن یا انگره مینو (منش ناپاک و پلید) است و آدمی در این میان بی آنکه پایبند و گرفتار سرنوشتی نا شناخته و تقدیری کور و بی رحم باشد به خواست خود در پهنه رزم هستی به یکی از دو نیروی روشنایی و نیکی یا تاریکی و بدی می پیوندد .اما همه رهنمودهای زندگی بر آن است که وی به یاری سپند مینو بر خیزد و او را در پیکار با اهریمن یاری کند و ریشه پلیدی و تیره روزی را از جهان بر کند و تا بهنگام واپسین دم زندگی دست از این نبرد پیگیر نکشد .

انسان آزاد و مختار آفریده شده و هیچ سرنوشت و تقدیر و جبری زندگی او را به راهی نا خود آگاه نمی کشاند . او حق دارد و باید که بر روی این زمین آزادانه زندگی کند و پرورش یابد و از همه آنچه دلخواه اوست و با پاکی و راستی و زیبایی سازگار می آید برخوردار گردد . زندگی در چشم او زندانی سیاه و دوزخی هولناک نیست بلکه فراخنایی روشن و بهشتی خرم و دل انگیز است . بهشتی که بدست انسان بر روی زمین بنا می شود و همان در برابر ویرانگری و تبهکاری اهریمن پاسدار آن است .

جهان بهشت کافران و زندان پارسایان نیست بلکه عرصه تکاپو و جنب و جوش مردم پاکدل و روشن بین و راستی پرست است و هر کس از این میدان فراخ ، گوشه گیری کند و از لذت ها و فراز و نشیب های آن بر کنار ماند در ویرانی جهان کوشیده و اهریمن سیاه کار را یاری کرده است .

همه ی آنچه با درویشی و دریوزگی و سرافکندگی و سوگ و ماتم بستگی دارد اهریمنی و نارواست و فرد یزدان پرست جز به زندگی توانگرانه و غرور آمیز و سربلند و شادمان تن در نمی دهد .

سپند مینو و همه ی امشاسپندان و ایزدان صفات پاکی و راستی و منش نیک و زندگی آباد و آزاد ند و اهریمن و همه ی دیوان و دروغ پرستان نمایندگان پلیدی و دروغ و بدسرشتی و سیاه روزی اند . میان این دو گروه همواره نبرد و ستیزه سهمگینی بر پاست . انسان پاک سرشت و آزاده و نیک آیین ، به اهورامزدا و یاران وی می پیوندد و در سراسر زندگی دمی از پیکار با اهریمن بد اندیش و همه ی نیروهای اهریمنی باز نمی ایستد و روی بر نمی تابد .

زندگی میدان رزم و زور آزمایی سپندمینو و اهریمن ، پاکی و ناپاکی ، زیبایی و زشتی و بهروزی و تیره روزی است .انسان پهلوان چنین میدان و مرد چنین پیکار بزرگی است و پایگاه او تا بدان حد والاست که دست اندر کار یاری سپندمینو و ریشه کن ساختن اهریمن و بنیان نهادن جهان پاک و بی آلایش است .

اهورامزدا خواست و اراده خود را برتر از همگان نمی داند بلکه امشاسپندان و ایزدان و فروهر آدمیان را در کار آفرینش و پیکار با اهریمن بیاری می خواند و بسیاری از آنان را در شایستگی ستایش و

www.farsibooks.ir

برازندگی نیایش همدوش خود می داند و در این میان فرقی میان زن و مرد نمی گذارد و آناهیتا را همانگونه ارج می دهد که مهر را .

زن در سراسر زندگی همدوش مرد است و همه جا نام و ستایش بانوان و دوشیزگان در کنار نام و ستایش مردان می آید . برخورداری از زنان برومند و زیبا یکی از آرزوهای نیک است که در بسیاری از پاره های اوستا باز گفته می شود .

در گات ها (سروده های زرتشت پاک) می بینیم که پیام آور آریایی با چه مایه ی آزادگی و بزرگ منشی دختر خود پورچیستا را در برگزیدن شوی آزاد می گذارد و او را مجبور به پذیرفتن پیشنهاد خود نمی کند .

کوتاه سخن اینکه سرتاسر نامه ی کهن اوستا ، گویای پهلوانی و مردانگی و پاکی و راستی و شادی و آزادگی نیاگان سربلند و آزاده ی ما و روشن بینی ایشان نسبت به همه ی پدیده های جهان هستی و جنب و جوش آنان برای آباد ساختن و خوش و خرم گردانیدن جهان و زندگی است .

چنین است گوشه هایی از آیین زرتشت ، کهن ترین پیام آور پاکی و راستی .

در سنت های زرتشتی و نوشته های تاریخ نویسان دیرین یونانی آمده است که زرتشت هنگام پا به جهان نهادن خندان بود .گیریم که این روایت افسانه ای بیش نباشد اما آیا حکایت از آن نمی کند که آیین ایرانی شادمان بودن و آزاد و خوش زیشتن و از اندوه و ناخوشی برکنار ماندن است .

آیا این تصادفی است که داریوش یزرگ در سنگنبشته ی خود می گوید : " خدای بزرگی است اهورا مزدا که این زمین آفرید ، که آن آسمان آفرید ، که مردم آفرید ، که از برای مردم شادی آفرید . "

نه هرگز این تصادفی نیست ، این پایه و مایه ی اندیشه نیکان ماست از همین روست که آنان به شماره ی روزهایی که اکنون ما سوگواری داریم جشن و سور داشتند و همواره شعله های تابناک آتش ورجاوند در برابر دیدگانشان شادمانه فروزان بود . اگر سرزمین ما

" . . . که روزی روزگاری شب چراغ روزگاران بود ، نشید همگنانش آفرین را و نیایش را سرود آتش و خورشید و باران بود ، اگر تیر و اگر دی هر کدام و کی به فر سور آذین ها بهاران در بهاران بود . . . " امروز از این بهره ی اهورایی برخوردار نیست و آینه ی ما را زنگار اندوه و سوگواری فرا گرفته است . انگیزه آن را نه تنها در زیر بنای جامعه بلکه در میان بد آموزی های خودی و بیگانه و فراموشی و بی پروایی ما نسبت به گنجینه درخشان فرهنگ نیاکانمان باید جست .

دیرگاهی است که ما هر وسوسه ی فریبایی را بی چون و چرا می پذیریم و اندکی به خود نمی آییم و نمی اندیشیم که کیستیم و در کجاییم و چه می کنیم .

بسی مایه ی شادمانی است اگر از این پس ما ایرانیان اوستا را نه تنها بعنوان کتاب دینی ، بلکه بعنوان یکی از بزرگترین پایه های فرهنگ ایران زمین به مطالعه گیریم و در آن ژرف بنگریم و آیین آزادگی و میهن دوستی و پاکی و سربلندی و دلیری را از آن بیاموزیم .

www.farsibooks.ir

آرزوی هر ایرانی آزاد اندیشی است که این یخبندان اندیشه و رفتار به رود خروشان کار و کوشش و ساختن زندگی شادمانه مبدل گردد . و مردم این مرز و بوم که سستی دیرزمانی است آنان را بر جای خود میخکوب ساخته آگاه سازد . باشد که از تن دادن به فرهنگ بیگانه و دروغ پرستان زمانه رهایی یابد و کاروان درنگ کرده ی ما را دگر بار به شور و شتاب و بپا خاستن و پیش رفتن وادارد .

پیشگفتار اوستا برگردان جلیل دوستخواه

www.farsibooks.ir

نماز ایرانـــــی

« پروردگارا اینک در برابر تو می ایستم و به عنوان عبادت،همه کردار و گفتار و اندیشه نیک و بجا آورده را پیشکش در گاهت می کنم » ((گاتها))

ایرانی از دیر باز خود را پایبند نماز و نیایش روزانه می دانست که به گاه پزامندگی (بلوغ)

بایا (واجب) بود که پنج گاه در شبانه روز نماز بخواند (گاه پیش از سپیده دم – گاه بامداد – گاه نیمروز – گاه پسین – گاه شامگاه) و در ضمن نماز فروزه های نیک چون راستی و پاکدلی را ستایش کند و آنرا سر لوحه کردار روزانه خود قرار دهد . این نیایش در صورتی پذیرفته درگاه ایزدی قرار می گرفت که دستورات آن اجرا می شد و هدف از خواندن نماز در طی شبانه روز تنها هشدار و نیز تازه نمودن سوگند و پیمانی بود که در جشن دین پذیری بسته می شد .

در آیین بهی (آیین زرتشتی) ستایش واقعی پروردگار – ذکر پاره ای آیات و تکرار بی شمار آن نیست،یک بهدین (یک زرتشتی) پرستش پروردگار را در کردار نیک و آبادانی و خوش و خرم گردانیدن جهان و دستگیری از بینوایان و مبارزه با اهریمن صفتان و گسترش دانش و دانایی می داند . و از گفتار بد دوری می جوید و پیوسته با اندیشه نیک خود در پیروی از قانون اشا (راستی) می باشد .

پیام آور خدا زرتشت پاک در این باره می فرماید :

« ای هستی بخش ، کسانی را که با کردار نیک خود و اندیشه نیک ستایش تو را به جا می آورند کامروا ساز و آرزوهای آنان را برآورده ساز چه به خوبی می دانم ستایشی که بدور از ظاهر سازی و تنها از راه کردار نیک به درگاهت نیاز شود پذیرفته می شود و بازتاب به در گاهت نیاز شود پذیرفته می شود و بازتاب نیک خود را بروز خواهد داد . »یسنا ۲۸ بند ۱۰ (اوستا)

و در یسنای ۵۰ بند ۸ می فرماید :

« ای دانا ترین – با دست های برافراشته و سرودهای ستایش خود که پر از راز و نیاز به درگاه تو است خواستارم مرا چون دوستی با وفا و فروتن بپذیری تا بتوانم در پرتو راستی (اردیبهشت) و منش نیک (بهمن) به تو نزدیک شوم . »

و باز در یسنای ۵۱ بند ۲۲ (گاتها) می فرماید :

www.farsibooks.ir

« از میان مردمان کسی که به درستی و راستی و بدون خودنمایی ستایش خود را به اهورا پیشکش کند پروردگار آنرا به خوبی در می یابد خواه آن ستایش در گذشته یا حال باشد من چنین کسانی را گرامی می دارم و با ذکر نام از آنها سپاس گذاری می کنم . »

همبایست های (شروط) نماز

همبایست آیین بهی دو گونه است : همبایست درودنی و همبایست برونی . همبایست درونی : پیراستن دل از رشک و کین و آز و اندوه و بطور کلی دوری از اندیشه بد . همبایست برونی : پاک نمودن تن و جامه و جا از آلودگی و شستن دست و رو ، سرو پا .

پرستش سو « قبله »

نماز دربرابر فروغ و روشنایی ظاهری که نموداری از نور و روشنایی عالم حقیقت و معنویت می باشد انجام می گیرد . این نور بصورت شعله آتش و یا نور آفتاب و در شب هنگام در نور مهتاب و بطور کلی در هر روشنایی و فروغی که تجلی یابد بر پا می شود .

« ای خدای هستی بخش – دانای بی همتا – چون هر دو جهان (گیتی ، مینو) به مشیت تو صورت وجود یافته و تو فرمان فرمودی و تو پدید آوردی و هر چه بهترین نعمت هاست آنرا به وجود آوردی پس بندگی تو را به جا می آوریم و تو را به پدید آورند تمام آنها باور داریم و ترا می ستائیم و به تو نماز می بریم و خود را وامدار و سپاس گذار تو می دانیم »

" ای هستی بخش – ای دانای یکتا – که بخشاینده همه چیز و از دیده ظاهر بین ما ناپیدایی این نور را که در برابر گذاشته ایم نور آفرینش تو می دانیم و آنرا به منزله قبله می شناسیم و به وسیله این نور که ذره ای از ذرات توست خواستاریم که خود را به نور حقیقت تو برسانیم بشود که با ضمیر پاک به تو نزدیک شویم » هفت یشت بزرگ کرده ۴ (اوستا)

نماز به حالت ایستاده و با صدای بلند و آرام و نرم و شمرده خوانده می شود .

www.farsibooks.ir

نماز پارسایی

نیایش می کنم برای راستی و پاکی و پارسایی

بنام هستی بخش دانا

نیایش می کنم و ستایش بجا می آوریم آفریدگار هستی ده دانای بزرگ روشنایی بخش رخشنده را توانای با شکوه را . آفریدگاری که بر هنجاری استوار و خردی پایدار و برا ی بهزیستی و شادمانی بسیار ما را آفرید و به پیکر در آورد و پرورانید و اندیشه بخشانید . نیایش می کنم و ستایش بجا می آوریم – گاهان پاک زندگی آفرین – زندگی بخش را . و نیایش می کنیم و ستایش به جا می آوریم در این درگاه (پیش از سپیده دم – بامداد – نیمروز و.....) با تو ای آفریدگار جهان و گاهان و ای پرودگار دل و جان ، پیمان می بندیم و از تو یاری می خواهیم که پیوسته پوینده راه راستی باشیم جز راست نیاندیشیم و نگوئیم و گامی جز به راستی بر نداریم

. اندیشه نیک ،

گفتار نیک ، کردار نیک داشته باشیم . پیوسته به پیمان خویش پایبند باشیم و هرگز پیمان خود را نشکنیم و نگسلیم ، اهرمین دروغ ، خشم ، ترس ، کین ، آز و خودبینی را در خود نابود سازیم و خود را دانا و دلیر و دادگر و دوراندیش و نیکو و بردبار و شادمان سازیم . خانه خود را روشن ، شهر خود را خرم و سرزمین خود را آبادان داریم . بکوشیم که همه خوبی های مادی و مینوی و روانی را بدست آوریم و خود را از دوزخ پریشانی و پراکندگی و خواری و درماندگی برهانیم . رای و روان خود را استوار ، خرد و اندیشه خود را روشن و دانش و بینش خود را افزون داریم . بکوشیم که خود را تندرست و توانا و توانگر داریم و بار کار شایسته روزی بایسته بدست آوردیم ، پیوسته با بدی پیکار کنیم و نیکی را بگسترانیم و یار و یاور نیکان باشیم . آفرین گفتار باشیم از زیان و گزند و تلخ ی و بیم و غم بدور باشیم . دیر زیویم ، درست زیویم ، شاد زیویم تا زیویم به کامه زیویم مینومان باد به کامه روان ، گیتی مان به کامه تن باد . درود بر تو درود به راستی که هنجار هستی است . درود به مهر که پیوندگان هستی است درود به شادی که آفریده نیک هستی اسهت درود به ما و همه مردمان نیکوکار شکسته باد دروغ ، نیست باد دروغ ، نابود باد دروغ ، نابود باد دروغ « هفت بار »

گفتنی است که پس از گذشت سده های دراز از یورش بیگانگان به خاک میهن ، هنوز یک بهدین (زرتشتی) در هر گوشه دنیا که باشد خود را موظف به اجرای دستورات دین می داند و علاوه بر نمازهای پنجگانه ، سه نیایش معروف (اشم وهو – یتا اهو – ینگهه هاتام) را گاه و بی گاه زمزمه می کند

۱) اشم وهو

راستی بهترین نیکی و سعادت است . سعادت از آن کسی است که راست و خواستار بهترین راستی است .

www.farsibooks.ir

۲) یتا اهو

هنجاری که بر جهان هستی فرمان می راند زندگی و سرشت مردمان را زیر فرمان دارد . منش نیک از آن کسی است که از هنجار هستی پیروی کند و توانایی راستین را کسی دارد که بر خواسته های ناهنجارش چیره شود راستی هنجار هستی است . راستی مایه خوشبختی است .

۳) ینگهه هاتام

اهورا مزدا آگاه است از زنان و مردانی که در ستایش او هستند باینگونه مردان و زنان به سبب پارسایی و پرهیزکاریشان درود می فرستیم .

اهورامزدا ، خدای یکتا

آفریننده جهان هستی به زبان نیاکان ما ، اهورامزدا خوانده می شد . این واژه از سه بخش " اهورا" به چم هستی بخش "مز" بسیار و " دا" دانا ، ساخته شده است . که در مجموع " هستی بخش دانا " معنی می دهد . همان خدای یکتایی که در تمام دین ها به نامهای گوناگون خوانده می شود . و به گفته دکتر والا :

"اهورامزدای ایرانیان با یهوه یهودیان و گاد مسیحیان و الله عربها ، که یکتا آفریننده این جهان و آن جهان و نصیب خیر و شر ، بسته به فضل و عنایت اوست یکی است . اوست آنکه هیچ کس را در هیچ نیرویی مخالف با قدرت مطلقه او نیست . اوست یکتایی که کسی در سلطنت کامله اش شرکت نداشته است ."

پیش از برگزیدگی زرتشت به پیام آوری مردم به خدایان گوناگون باور داشتند و برای آب و آتش و ماه و عناصر دیگر که به نظرشان با شکوه و مفید بود . خدایان مهربان و سود رسان قائل بودند و در برابر آنان ستایش می کردند و نیز برای سایر نیروهای خطر آفرین جهان مانند تندر و آذرخش و بلاهای طبیعت که از آنها در رنج و گزند بودند ، خدای خشم آلود و قهار و جبار می انگاشتند و برای فروکش خشم آنان لابه و زاری میکردند و فدیه و قربانی می دادند تا اینکه برای نخستین بار در جهان ، پیام آوری از نژاد آریا با آوردن دین پاک یکتا پرستی و وعده به روز رستاخیز مردم را از پرستش خدایان بیشمار به پرستش خدای یکتا فرا خواند و بر تمامی رب النوع ها داغ باطل نهاد و در کمال آزادگی فرمود :

" آنچه در بالا و پایین است همه را یک خدا آفریده که اهورا مزدا نام دارد . خدای جهان و جهانیان به دور از شریک و نظیر است و جزء او کسی شایسته ستایش نمی باشد . "

www.farsibooks.ir

" ... و تنها اهورامزدا است که کیفر کارهای مردمان را در گذشته و حال و آینده به درستی خواهد داد چه او برای هر کار نیک یا بدی پاداش و سزایی مقرر داشته ، حساب همه کارها را در روز واپسین منظور خواهد داشت . " (گاتها – هات ۳۱ بند ۱۵ – ۱۴)

" ... وبرای رسیدن به خوشبختی و بخشایش اهورایی باید همگی شما ای خویشان و همکاران و همچنین شما ای دروغپرستان (مشرکان) رو به سوی خدای یکتا آورید ."

پروردگارا بشود که ما همه پیام آور پیغام تو باشیم و کسانی که دشمن راه و نام تو هستند از خود دور نگه داریم . "

و آنگاه در گاتهای هات ۳۱ بند ۸ می فرماید :

" ای مزدا هنگامی که تو را با نیروی خرد و اندیشه ژرف جستجو کردم و با دیده دل به تو نگریستم دریافتم که تویی سر آغاز و سر انجام همه چیز و تویی سرچشمه خرد و اندیشه و تویی آفریننده راستی و پاکی و تویی داور دادگر همه مردمان ..."

" آنگاه تو را مقدس شناختم ای اهورا مزدا که تو را سرآغاز و سرانجام همه چیز دانستم و دریافتم که تو از روز ازل نتیجه و بازتاب هر گفتار و کردار نیک را مقرر فرمودی و داوری تو پیوسته بر این اصل است که بدی بهره بدان و نیکی پاداش نیکان است تا روز واپسین "

بدین وسیله آیین یکتاپرستی برای نخستین بار در جهان ظاهر شد و سنگ پایه ی دیگر تعالیم گردید .

و همانگونه که پروفسور دومزین معتقد است :

" زرتشت به حق نخستین معلمی است که به تبلیغ توحید و عظمت خداوندی پرداخته و به خدای واحد و قادری که کبریای او بیش از خدایان کیشهای دیگر است باور دارد و از پروردگار واحدی به نام (خداوند خرد) نام می برد ."

(ماهنامه کتیبه –شماره ۱۵۳ سال۱۳۸۴ شادی آریابد)

www.farsibooks.ir

آیین زناشوئی

زنا شویی در کیش زرتشتی با یا (بایسته) است و تنها زیستن چه برای مرد و چه برای زن نابایا است .

تک همسری

در کیش زرتشتی چند زنی روا نیست . بلکه یک مرد می باید یک زن و یک همسر بگیرد . پس از مرگ و یا رهایی (طلاق) زن و مرد باید پس از گذشت چند زمانی همسر برگزینند .
زناشوئی با مادر و خواهر و دختربرادر و خواهر پدر و اگر کسی زنش بمیرد از فرزند زادگان او تا هر چند پشت که برسد نابایاست . همچنین زناشویی با دایه یی که شیر داده و هر دختر خواه خویش یا بیگانه که با آن پسر در کودکی هم شیر شده اند نابایاست.
رها کردن زن و بویدن از او بسیار نکوهیده و نا رواست و بریدن و رها کردن تنها هنگامی شدنی است که زندگانی زنا شوئی شدنی نباشد.
زن در کیش بهی بسیار گرامی است و بر هر مردی بایسته است زن را چه خویش باشد چه بیگانه تا آنجا که می تواند گرامی بدارد . به ویژه به زن آبستن و پیر زن . و همه مردمان می باید در گرامیداشت این دو بکوشند .
شوهر می باید به زن مهربان بوده و او را گرامی بدارد و هستی خود را از او جدا نداند و با او یکدل و یکزبان و یگانه باشد . پیوسته در نگاهداری او بکوشد و بایستهای (لوازم) زندگانی را برای او فراهم کند . زن نیز می باید از دل و جان با همسر خود مهربان باشد و خانه را با عشق خود گرما بخشد.

پیمان زناشویی

در کیش زناشویی دختر و پسر می باید آزادانه و به خواست خویش همسر خود را برگزینند و هر گونه اجباری در زناشویی در کیش زرتشت نابایا و نارواست . البته دختر و پسر باید با خوشنودی مادر و پدر این پیمان سپنتا را بدیده آورند .

سن زناشویی پزامندگی (بلوغ) تن و اندیشه و روان است که برای دختر از پانزده سالگی به بالا و برای پسر از هیجده سالگی به بالاست .

گواهگیری

پیوند زناشویی می باید آشکار باشد و بر پیوند گواهی گرفته شود . در آیین زرتشت ازدواج موقت و بی بندباری شرعی به هیچ روی پذیرفته نیست . و تعدد زوجات بسیار نکوهیده شده است .
گواهگیری زناشویی چنین است :

امروز که انجمن پیوند زناشویی به روش دین وه مازدیسنی در اینجا بر پاست من که موبد ... هستم بگواهی دادار اورمزد رایومند و فرهمند ، بگواهی امشاسپندان پیروزگر ، بگواهی مهر و سروش و

www.farsibooks.ir

رشن راست ، بگواهی فروهر اشو زرتشت اسپنتمان ، بگواهی وهان این بزم ، از شما ... دختِ ... می پرسم که ... پور را بداد و آیین دین وه مازدیسنی بهم تنی و هم روانی به همسری خود می پذیرید ؟
پس از دریافت پاسخ آری ...
از شما ... پور می پرسم که ... دخت ... بداد و آیین دین وه مزدیسنی ، به هم تنی و هم روانی به ... زنی و همسر خود می پذیرید ؟
پس از دریافت پاسخ آری .
به خجستگی و فرخندگی من و همه وهان این انجمن از اورمزد توانا آرزومندیم که به این پیوند زناشویی پایندگی و استواری و مهر و خوشی و شادکامی و افزونی فرزندان وه و خواسته فرارون و دیر زیوشنی و سرانجام نیک ارزانی بدارد .
این چند اندرز بایسته بشنوید و در زندگانی خویش بکار بندید تا شوه (باعث) خوشنودی اهورامزدا و نیک بختی شما باشد .
نخست - ستایش و نیایش دادار اورمزد است . چرا که ما را از داد و دهش خویش از هر گونه ارزانی داشته است . اهورامزدا را دادار هروسف آگاه (دانای کل) دانید و به آئین و دین وه اندر پنج گاه به پرستش ایستید .
دوم – به پیام آوری اشو زرتشت اسپنتمان بی گمان باشید و بدین وه استوار مانید هر آینه به اشویی و راستی گرایید و به اندیشه و گفتار و کردار نیک در جهان زیوید .
سوم – به روان شادی درگذشتگان و دستگیری نیازمندان در نیاز کردن و یزشن و گهنبار کوتاهی مکنید . اندر پنجه و فروردینگان که روز ویژه همه روانان است از درون و میزد و آفرینگان آنچه دسترس باشد بجا آورید تا همه روانان خوشنود گردند و درود فرستند .
چهارم - آیین روز و سال پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ و خویشاوندان را انجام دهند و از دستگیری بی نوایان آنچه در دسترس باشد بکوشید چه که خوشنودی مینوان اندر کار و کرفه (ثواب) گیتیان است .
پنجم – گامی بی سدره و کشتی منهید . فرزندان را در ده سالگی سدره بپوشانید و کشتی ببندید تا اندر هر گاه بداد و دین وه ، به ستایش دادار اورمزد ایستند .
ششم – از پدر و مادر و استاد سپاسگذار باشید و گرامی شان دارید چه که خوشنودی هورمزد خشنودی این سه تن است .
هفتم – از مهر ایزد و اشتاد ایزد و ورهرام ایزد یکی را برگزینید و اندر آنروز به ستایش هورمزد و بداد و دهش پردازید تا آن نگاهبانتان باشد و از هر گناه باز دارد . اینک ایزدی را که گزیدید نام برید .
هشتم – در زندگانی باید راهنمای دانایی برگزینید تا در همه کارها از او دستور خواهید چه که دانش پراکنده است و کار بی رهنمونی دانا نیک فرجام نباشد ...
نهم – هورمزد هروسف توان (توانای کل) که مردم را به نیروی دانایی و گویایی از هر دهش گیتی برتر آفرید دادش مردم دوستی است ، پس مردم را میازارید نه به منش نه به گویش و نه به کنش .
بیگانه ای که فرا برسد جای و خوراکش دهید . نیکان را از گرسنگی و تشنگی و سرما و گرما نگهدارید . با زیر دستان و کهتران مهربان باشید .

www.farsibooks.ir

گزینش کیش زرتشتی

کیش زرتشتی بر پایه ی آزادی گزینش استوار است . بدینسان که در این کیش هرگز آدمی با زور و فشار به پذیرش واداشته نمی شود ، بلکه پذیرفتن کیش بر پایه اندیشیدن و آزادی گزینش است . باور داشتن به گزینش کیش زرتشتی همانست که در سرود ورجاوند " سروژ واژ " زیر عنوان " فروران " می آید .فروران معنی برگزیدن را دارد و نخستین واژه ایست که در سروش واژ می آید :

" بر می گزینم کیش مزدیسنا (مزدا پرستی) را که آورده زرتشت است
و کیشی است که نکوهنده خدایان پنداری و ستایشگر آفریدگار داناست. "

همانگونه که در این سرود آمده است هر زرتشتی کیش مزدیسنی را بر می گزیند و روشن است که گزینش بر پایه اندیشیدن و سنجیدن استوار است نه زور و فشار یا بطور موروثی . جز سروش واژ در بسیاری از سرودهای دیگر اوستایی به آزادی گزینش دین و اندیشیدن و سنجیدن اشاره شده است ، از جمله در سرود زیر از گاتها :

" بهترین گفته ها را به گوش هوش بشنوید

و با اندیشه روشن بنگرید
سپس هر مرد و زن از شما
از این دو راه نیکی و بدی
یکی را برای خود بر گزینید
این آیین را پیش از آنکه
روز بزرگ فرا رسد در یابید ."

www.farsibooks.ir

نوزادگی چیست ؟

دختران و پسران زرتشتی از هفت سالگی باید اوستا و نمازهای پنجگانه را بدانند و پس از دانستن باید آنها را سدره بپوشانند و کشتی ببندند و به کیش بهی در آورند . این آیین سدره پوشی و کشتی بندی را نوزادی گویند که معنی آن پرستش نخست و بندگی نو و نوزادگی می باشد .

سدره و کشتی چیست ؟

سدره زیرپیراهنی سپید و ساده و گشاد و بی یقه و دارای آستین های کوتاه است . که از نه تکه پارچه دوخته میشود . چاکی در میان دارد که به بالای سینه میرسد . در پایان آن چاک کیسه کوچکی است بنام کیسه کرفه (ثواب) این کیسه نشانه گنجینه اندیشه نیک ، گفتار نیک و کردار نیک است . نه پارچه بودن سدره نمونه یی از نه پایه جهان هستی است که در بند یک یسنای ۴۴ بدین گونه یاد شده است :
۱- گیتی ۲- تن ۳- دریافتها و سهش ها (ادراکات و احساسات) ۴- اهو یا جان ۵- کالبد ۶- دین (وجدان) ۷- بوده یا بوی (نیروی دریابنده) ۸- اوروان یا روان ۹- فروهر (روان هستی آدمی) واژه سدره در اوستا وهومنوواسترا می باشد که به معنای جامه نیک اندیشی است .

کشتی بندی است سپید و باریک که از ۷۲ نخ پشم گوسفند بافته می شود . شماره ۷۲ نشانه ۷۲ بخش یسنا از بخشهای ارجمند اوستا است . این ۷۲ هات نیز شش بخش می شود که هر بخشی دارای ۱۲ نخ است .شماره ۱۲ نمودار ۱۲ ماه سال ، شماره شش نمودار شش جشن بزرگی است که آنها را گاهانبار می گویند .

فلسفه سدره و کشتی

سدره و کشتی بستن بهدینان دارای مفهوم و معنای بسیار ژرفی اخلاقی و روانی است . نخست خود سدره و کشتی و چگونگی آنها هر یک معنای ژرفی در بر دارد . سدره جامه سپید پیروی از پاکی و پارسایی است . هنگامی که یک زرتشتی سدره ببر می کند ، معنایش آنستکه زرتشتی درون و برون خود را چون جامه سپید پاک و بی آلایش نگه میدارد. کشتی رشته بندگی خداست و زرتشتی کمر بسته کسی است که میان به فرمانبری خدا بسته که هرگز از فرمان خدا بر نمی تابد .
سه گردش کشتی به کمر نشانه سه پایه اخلاقی کیش زرتشت . اندیشه نیک ، گفتار نیک و کردار نیک است و سه بار گردش این معنا را می رساند که یک زرتشتی می باید در راه سه پایه اخلاقی یاد شده میان ببندد و هرگز از سه پایه اخلاقی یاد شده دور نشود . هنگام بستن کشتی چهار گره میزنند که چهار گره نشانه چهار آخشیج (آب - آتش – هوا و خاک) است که نزد ایرانیان گرامی است .
هنگام زدن چهارگره ، در زدن گره نخستین باید اندیشید که خدا یکی است ، در گره دوم باید هرگونه دو دلی را از کیش زرتشتی از خود بدور کرد و دانست که کیش زرتشتی بی آلایش و راست و درست است ،در گره سوم اندیشید که زرتشت پیام آور خداست . در گره چهارم ، باید اندیشید که تا می توانم به راه نیک میروم و هرگز از کیش زرتشتی بر نمی گردم و به راه بدکاری نمی روم .
درازی کشتی نشان آن است که گر چه این زندگانی دراز است ولی آن را انجامی است و روزی زندگی به پایان میرسد . تهی و دولا بودن میان کشتی این را می رساند که این جهان دو چهره دارد ، جهان گیتی مادی که لای زیرین نشان آنست و جهان مینو که لای زبرین آنرا می نمایاند .

www.farsibooks.ir

دولایی نشان آنست که این دو جهان از هم جدا نیستند و جهان مادی و گیتی با جهان مینو (معنوی) پیوند دارد و انسان از جهان گیتی ره به جهان مینو می برد .
بن درونی کشتی که گره گاه است ،نشان بن زندگانی این جهان است اگر کسی نیکوکار باشد بی دشواری از این گره گاه برنهاده و به جهان مینو وهر کس که بزه کار باشد در میان گره گرفتار می آید.

اوستای کشتی

هنگام بستن کشتی نیایشی خوانده می شود که اوستای کشتی نامیده می شود .برگردان اوستای کشتی چنین است :

به یاری اهورامزدا

با اندیشه نیک – گفتار نیک و کردارنیک از هرگونه گناهی که با اندیشه و گفتار و یا با تن و روان کرده ام ، چه مادی باشد چه مینوی از همه آنها پشیمانم و از هرگونه گناهی که اندیشیده و گفته و کرده و شنیده و دستور آنرا داده ام از همه آنها پشیمانم و پتت می کنم .
شکسته باد اهریمن (سه بار)
شکسته و نابود باد اندیشه گناه آلوده بد اندیش . با همه تبهکاران و دروغگویان و جادوان گجسته (ملعون) .
اینان در دوزخ تاریکی نگون و نگونسار باشند و هیچ کارشان به کامشان مباشد هر کار و کار نیکی که بخواست اهورامزدا و امشاسپندان انجام گیرد پیروز گردد و کامیابی آورد . همه کارها بر پایه دین پاک اورمزد باشد . بزرگ و پاک و پیروزگر باد دادار اورمزد فروغمند با فر و شکوه و بسیار آگاه . به خوشنودی اهورامزدا .
اشم وهو(راستی بهترین نیکی و سعادت است . سعادت از آن کسی است که راست و خواستار بهترین راستی است .)

خشنود کردن اهورامزدا و خوار کردن اهرمن با خواستن کار نیک و انجام آن مایه کامیابی است.
می ستاییم پاکی و پارسایی را .
اشم وهو(راستی بهترین نیکی و سعادت است . سعادت از آن کسی است که راست و خواستار بهترین راستی است .)
یتا اهو (هنجاری که بر جهان هستی فرمان می راند زندگی و سرشت مردمان را زیر فرمان دارد .
منش نیک از آن کسی است که از هنجار هستی پیروی کند و توانایی راستین را کسی دارد که بر خواسته های ناهنجارش چیره شود راستی هنجار هستی است . راستی مایه خوشبختی است .) دو بار خواندن ...

بر می گزینیم کیش مزدیسنا را که آورده زرتشت است و استوارم بر این کیش .
می ستایم اندیشه نیک – گفتار نیک و کردار نیک را .

www.farsibooks.ir

می ستایم دین نیک مزدیسنا را که نکوهنده جنگ و خونریزی و ستایشگر از خود گذشتگی و پارسایی است و از تمام دینهای کنونی و آینده بزرگتر و بهتر و نیکوتر است . بر پایه این کیش ، اهورامزدا را آفریننده هستی و همه نمودهای هستی میدانم .
بیاری من بیا ای اهورامزدا (سه بار)
درود به دلیری خوش آیند .
درود به زمانه بی آغاز ... اشم و هو (راستی بهترین نیکی و سعادت است . سعادت از آن کسی است که راست و خواستار بهترین راستی است .)

www.farsibooks.ir

"پـایه هـای آیین بهــی"

پیش از اشو زرتشت مردمان به خدایان بسیار و گوناگون باور داشتند . نخستین کاری که پیام آور در زمینه جهان شناسی و دین آوری کرد آن بود که خدایان پنداری را از پایگاه خدایی پایین آورد و مردم را به پرستش خدای یگانه – اهورا مزدا – هستی بخش دانا ی بزرگ فرا خواند . پیامبر به مردمان آموخت که در جهان هستی نیروی هستی بخش بخرد را که پرتو آن در همه نمودهای هستی هست خدا خواند و فرمود بجای آنکه به پندارهای خود بیاویزید و خدایان ساخته پندار خود را بپرستید و در پای آنها قربانی های خونین بکنید به هستی و نمودهای آن رو کنید و نیروی آفرینشی را که در هستی هست و خردی را که بر هستی فرمان می راند بشناسید و در بیابید و اینرا بدانید که در جهان تنها آن نیروی بخرد هست که هستی و آفرینش از اوست و او اهورا مزدا یا هستی بخش دانای بزرگ است . از دیدگاه آیین بهی (زرتشتی) خدا نه در آسمانها جا دارد و نه آدمی گون است . از دیدگاه زرتشت پاک پروردگار یا اهورامزدا نیروی آفرینش یا هستی بخش بخرد یگانه ایست که نزاییده می شود و نه می میرد ، بوده و هست و خواهد بود و همه آفرینش ها از اوست . به گفته دیگراز دیدگاه آیین بهی ، خدا " نیروی آفرینش" یا " نیروی فروغ " یا " فروغان فروغ " یا " شیدان شید" یا " نورالانوار" است که نیرویی است یگانه و بی آغاز و بی انجام و بی کران و جاویدان و نادیدنی و نا بسودنی و نابود نشدنی و آفریننده . خدا فروغ آسمانها و زمین ، جان جهان ، نیروی بهنجار و بخرد آفرینش ، گوهر و بنیاد هستی و ذات گستره ایست که همه چیزهاست .
زرتشت پاک می فرماید :

" می ستایم اهورامزدایی را که سرچشمه همه چیزهاست ،
اهورامزدایی که فروغ سرشار است ... "

از دیدگاه آیین بهی پهنه هستی جلوه گاه اهورامزد است و هر ذره ای از ذره های هستی در بر دارنده پرتو و فروغی از اهورا مزداست که از این گفته نتیجه می شود که شناخت اهورا مزدا از شناخت نمودهای هستی و از راه دانش و پژوهش در نمودهای هستی ممکن می گردد.

در اینباره زرتشت پاک می فرماید :

" ای اهورامزدا ، همانکه تو را با دیده دل نگریستم ،
به نیروی اندیشه خود دریافتم ، که تویی سرآغاز
که تویی سرانجام
که تویی سرچشمه منش پاک
که تویی داور دادگر راستی در هر دو جهان ... "

(یسنا ۳۱- بند ۸)

" ای مزدا – ای اندیشمند بزرگی که از روز نخست افلاک را با نور خود
روشن ساختی و با نیروی خرد خویش به این درستی و خوبی

www.farsibooks.ir

نظم و هنجار دادی ای کسی که همواره یکسانی ، فروغ
ایمان و نور پاک منشی را بر همه ما بتابان ..."

(یسنا ۳۱ – بند ۷)

" چون تو ای مزدا سرچشمه راستی و همه نیروها هستی ،
ما را رهبری فرما تا در پرتو نیروهایت دوران زندگی خاکی
را چنانچه بایسته است بگذرانیم و در پایان
با روانی پاک به سویت باز گردیم ..."

(یسنا ۳۴- بند ۶)

www.farsibooks.ir